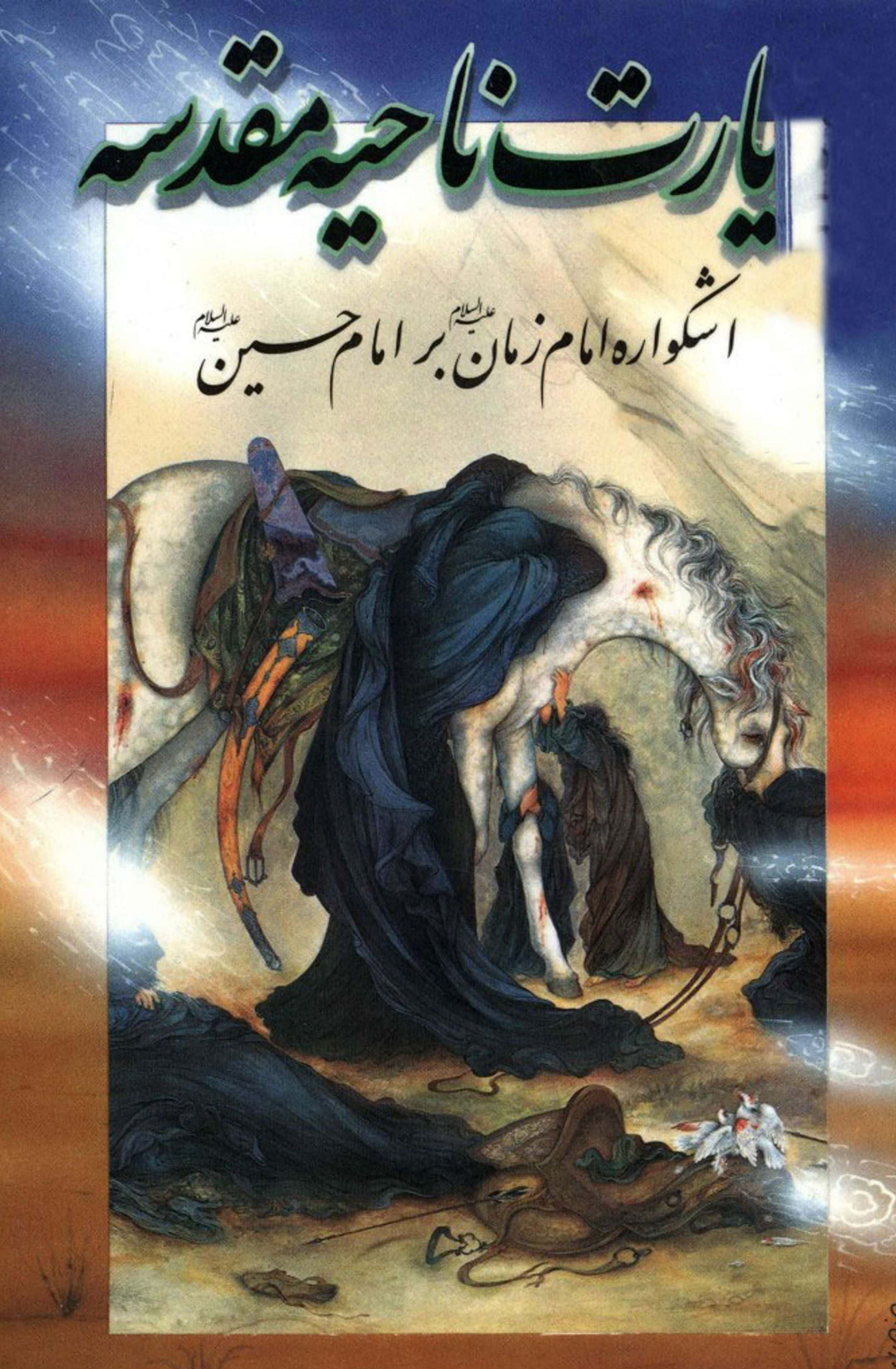
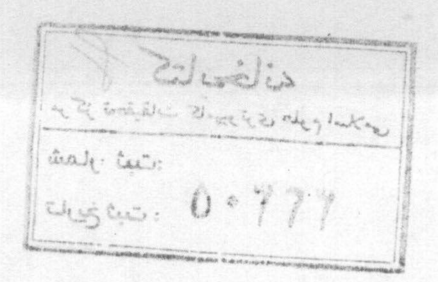
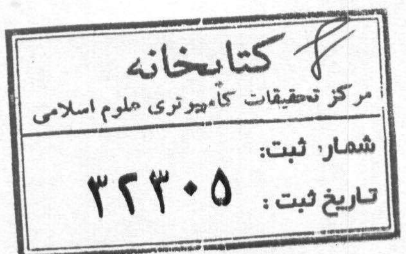
یارت ناحیه مقدسه

اشکواره امام زمان علیه السلام بر امام حسین علیه السلام





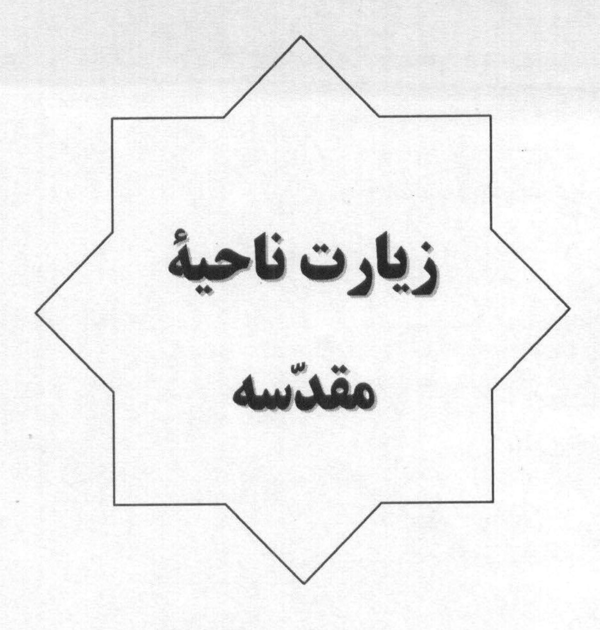
بسم الله الرحمن الرحیم





■ نام کتاب: زیارت ناحیه مقدّسه (اشکواره امام زمان علیه‌السلام بر امام حسین علیه‌السلام) □
■ تحقیق و ترجمه: واحد تحقیقات مسجد مقدّس جمکران □
■ ناشر: انتشارات مسجد مقدّس جمکران □
■ تاریخ نشر: بهار ۱۳۸۷ □
■ نوبت چاپ: هجدهم/ اوّل (با تحقیق و ویرایش) □
■ چاپ: اسوه □
■ تیراژ: ۱۰۰۰۰ جلد □
■ قیمت: ۶۰۰ تومان □
■ شابک: ۲ـ ۱۴ ـ ۶۷۰۵ ـ ۹۶۴ ـ ۹۷۸ □

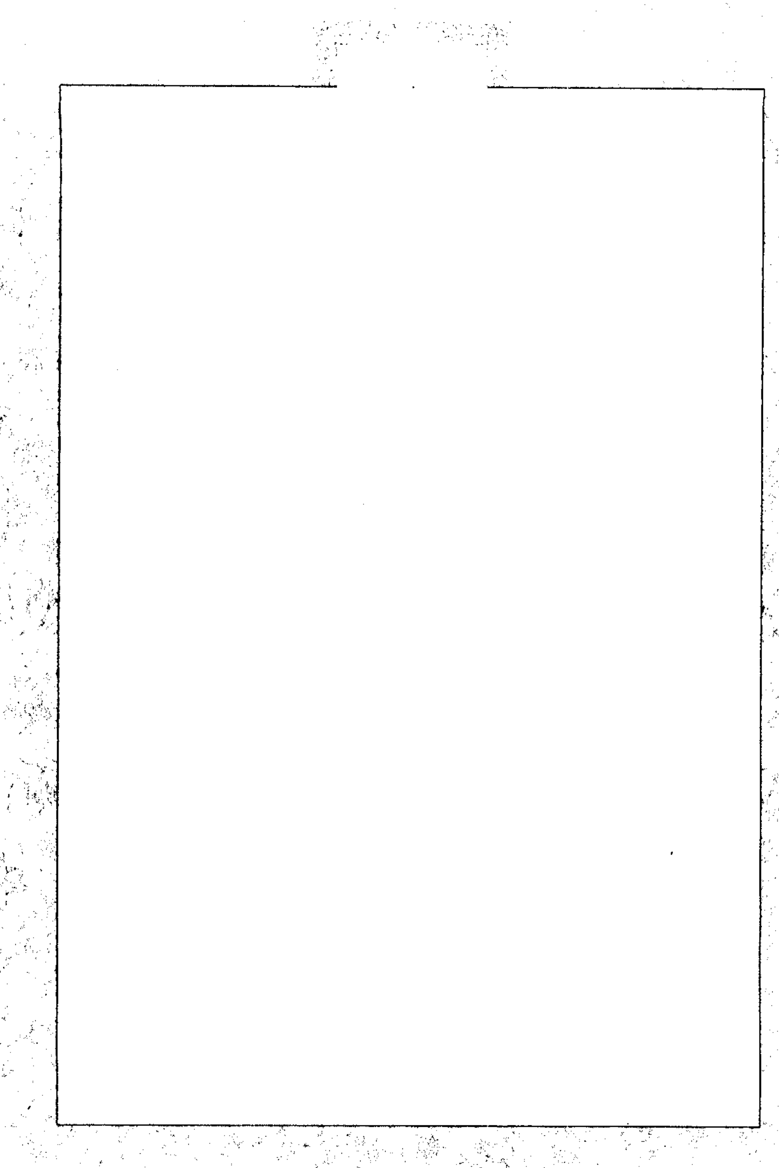
■ مرکز پخش: انتشارات مسجد مقدّس جمکران □
فروشگاه بزرگ کتاب واقع در صحن مسجد مقدّس جمکران □
■ تلفن و نمابر: ۷۲۵۳۷۰۰ ، ۷۲۵۳۳۴۰ ـ ۰۲۵۱ □
■ قم ـ صندوق پستی: ۶۱۷ □

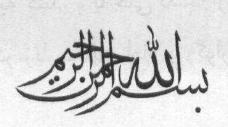


زیارت ناحیهٔ مقدّسه

اشکوارهٔ امام زمان (علیه‌السّلام) بر جدّ مظلومش

امام حسین«علیه‌السّلام»





مقدمه:

یا صاحب الزّمان ادرکنا

در زیارت حضرت سیّدالشهداء امام حسین علیه‌السّلام، سرّی شگفت وجود دارد. چنانکه در ولادت او، در حیات او، در شهادت او، و حتّی در تربت پاک او، اسراری الهی نهفته است.

اگر چنین سرّی در زیارت او نبود، خداوند در روز عرفه، ابتدا ـ و قبل از نظر به حجّاجِ گرد آمده در عرفات ـ به زائران کربلا، نظر نمی‌فرمود. به زیارت کنندگان او برات رهایی از آتش دوزخ نمی‌داد و در هر مناسبتی، زیارت او را فضیلت نمی‌بخشید.

اگر چنین سرّی در زیارت آن امام مظلوم نبود، این همه کرامت برای زائران او بوقوع نمی‌پیوست و بر استمرار زیارت او، اینقدر آثار و برکات، مترتّب نمی‌شد.

اگر چنین سرّی در زیارت او نبود، فرشتگان برای زیارت او، نوبت‌بندی نمی‌شدند و محبّین او نیز برای یک لحظه زیارت تربت پاکش حاضر نمی‌گردیدند این همه سختی‌ها را تحمل کنند، و یا حتّی اسیر و شکنجه شوند،

و یا دست و پا چشم هدیه کنند، و یا حتّی دست از جان بشویند.

اینکه چه اَسراری در زیارت این امام بزرگوار نهفته است، خدا می‌داند و امام زمان علیه‌السّلام.

امام زمان تنها وارث بر جای مانده از امام حسین علیه‌السّلام، ادامه دهندهٔ راه، برافرازندهٔ پرچم هدایت، حامل شمشیر امام حسین علیه‌السّلام، انتقام گیرندهٔ از دشمنان* خونخواه واقعی و احیا کنندهٔ حق امام حسین علیه‌السّلام، زائر همیشگی و مرثیه‌خوان دلسوخته، و گریه کنندهٔ داغدار امام حسین علیه‌السّلام است.

اوست که امام حسین علیه‌السّلام را خوب می‌شناسد، و به محرومیّت و مظلومیّت او خوب آگاه است.

اوست که به دیدهٔ بینای امامتش، لحظه به لحظهٔ عاشورا، و حماسه آفرینی‌های عاشورائیان را می‌بیند، و تلخی مصیبت‌شان را همیشه در کامِ جان دارد.

اوست که رنج غربت و تنهائی امام حسین علیه‌السّلام، سوز تشنگی طفلان خردسال، و داغ جانکاه شهادت یاران و فرزندان امام حسین علیه‌السّلام را بیشتر از هرکس، احساس می‌کند.

اوست که دردِ اسارتِ فرزندانِ رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله را می‌فهمد، سوزش تازیانه و سیلی را بر پهلو و صورت یتیمان کربلا درک می‌کند، سنگینی اهانت‌ها و شماتت‌ها و بی‌حرمتی‌های به اهلبیت علیهم‌السّلام را، با روح جان خود لمس می‌کند.

اوست که از سرِ درد می‌نالد و خطاب به جدّ بزرگوار خویش، امام حسین علیه‌السّلام می گوید:

«اگر روزگاران مرا به تأخیر انداخت و تقدیر الهی مرا از یاری تو بازداشت و نتوانستم با دشمنان تو بجنگم، اکنون هر صبح و شام بر تو ندبه و زاری می‌کنم و برایت بجای اشک، خون می‌گریم.»[۱]

حال، اگر چنان زیارتی، از زبان چنین امامی، صادر گردد، چقدر جای تأمل دارد و چقدر آثار و برکات بر آن مترتّب خواهد بود؟!

با چنین دیدگاهی است که زیارت شریفهٔ سیّدالشهداء حسین‌بن علی علیهما السّلام، خارج شده از ناحیهٔ مقدّسه ولیّ‌عصر (عجل‌اللّه تعالی فرجه الشریف)، وسیله‌ای مطمئن برای توّسل به آستان مقدّس اهلبیت علیهم‌السّلام و دستاویزی الهی برای تقرّب بیشتر به ساحت ملکوت حضرت حقّ بشمار می‌آید.

این زیارت شریفه، از جهات متعدد، ویژگی‌های قابل ملاحظه‌ای دارد که به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) سند زیارت

علاّمهٔ مجلسی رحمة الله علیه آن را به نقل از چندین نفر از بزرگوارترین فقهای شیعه ـ مانند سیّد شریف مرتضی(علم‌الهدی رحمة‌اللّه‌علیه) و شیخ مفید رحمة‌اللّه علیه در «المزار» و شیخ محمّدبن المشهدی در «المزار الکبیر» ـ در

---

۱. فرازی از زیارت ناحیهٔ مقدسه.

بحارالأنوار آورده و در خاتمهٔ زیارت بعد از نقل‌قول مؤلّف «المزار الکبیر» مبنی بر خارج شدن این زیارت از ناحیهٔ مبارکهٔ امام زمان‌علیه‌السّلام بسوی یکی از نوّاب خاصّهٔ آن حضرت، می‌نویسد:

روشن شد که این زیارت دارای سندِ روایتی، و نقل شده از سوی امام معصوم‌علیه‌السّلام است و احتمال دارد که اختصاصی به روز عاشورا نداشته باشد، چنانکه سیّد مرتضی قدس سره آن را برای غیرعاشورا نیز وارد دانسته است.

ب) مضامین زیارت

با توجّه به اینکه عبارات این زیارت شریفه، از سرچشمهٔ عشق و عرفان، از دلِ سوختهٔ انسان کامل و حجّت مطلقهٔ خدا یعنی حضرت مهدی (ارواحنا فداه) برخاسته است، سرشار از معارف الهی و آکنده از اشاراتِ آگاهی بخش و مسئولیّت دهنده، بر ساکنان خط سرخ شهادت است.

زیارت را می‌توان شامل هشت بخش دانست:

بخش اوّل: سلام بر انبیاء و اولیاء با ذکر پاره‌ای صفات ویژه و پندآموز:

سلام بر حضرت آدم، برگزیدهٔ خدا از میان خلایق،

سلام بر شیث ... .

بخش دوّم: سلام بر امام حسین‌علیه‌السّلام و یاران شهید او، همراه با گزیده‌ای از ویژگی‌های آنان:

سلام بر حسین که با دادن خون خویش، جانش را در راه خدا بخشید.

کسی که در پیدا و پنهان، از خدا اطاعت کرد... .

بخش سوّم: کلامی دربارهٔ قصد و انگیزه و آرزوهای خود در رابطه با زیارت امام حسین علیه‌السّلام و یاری او:

سلام بر تو، من بسوی تو آمدم و نزد تو آرزوی رستگاری دارم.

سلام بر تو، سلام کسی که حرمت تو را می‌شناسد، در ولایت تو اخلاص می‌ورزد، با محبّت تو بسوی خدا تقرّب می‌جوید ... .

بخش چهارم: گواهی بر اوصاف کریمه و سیرهٔ پیامبر گونهٔ امام حسین علیه‌السّلام:

شهادت می‌دهم که تو بر پادارندهٔ نماز و عطا کنندهٔ زکات بودی. به معروف فرمان دادی و از ناشایستگی و ظلم باز داشتی. مطیع خدا بودی و نافرمانی او نکردی. به او و به ریسمان او چنگ زدی و خشنودش ساختی... .

بخش پنجم: سخن از کیفیّت قیام:

زمانیکه ستم گسترش یافت و بی‌عدالتی نقاب از چهره افکنده و ضلالت، پیروانش را فراخواند و تو در حریم حرم جدّ خویش اقامت داشتی و ...

بخش ششم: شرح مصائب و چگونگی کشته شدن امام حسین علیه‌السّلام و اسارت اهلبیت علیهم‌السّلام:

از هر طرف تو را احاطه کردند و از کثرت زخم، تو را از پا انداختند و راه بر تو بستند و تو را یاوری نمانده بود... .

بخش هفتم: بر شماری نتائج شهادت از جهت صدمهٔ بر اسلام و ماتم انبیاء و اولیاء و فرشتگان:

وای بر عصیانگران فاسق، که با کشتن تو، اسلام را کشتند و نماز و روزه

را ضایع ساختند و سنّت‌ها و احکام خدا را شکستند و پایه‌های ایمان را ویران کردند و آیات قرآن را به تحریف کشاندند و ... .

بخش هشتم: دعا و یاری خواهی از خدا:

خدایا به حُرمت این مکان رفیع و مقدّس، بر محمّد و آل‌محمّد درود فرست و مرا در جمعِ آنان محشور کن و با شفاعت آنان به بهشت وارد ساز ... .

آمیزه‌ای از آگاهی و عشق و عرفان و سوز و حماسه و توسّل، در این هشت بخش زیارت ناحیه، آن را به منشوری هشیاری بخش و مسئولیت آفرین تبدیل کرده است، که در عین مرثیه گونه بودنش، درس‌های بسیار برای شیعه دارد و از غنی‌ترین و با محتواترین زیارات امام حسین‌علیه‌السّلام بشمار می‌رود.

ج) ارتباط خاصِّ زائر و زیارت شونده

در این زیارت شریفه، زیارت شونده، امام حسین علیه‌السّلام است و زائر، امام زمان‌علیه‌السّلام.

هر دو از نسل رسول اللّه صلّی اللّه علیه وآله وسلّم، هر دو قیام کننده برای اقامهٔ حق و احیای عدالت و اعتلای کلمهٔ توحید.

آن یک قیام کرد، تا دولت ظلم و کفر براندازد، و حاکمیت قرآن را تجدید کند، و شهید شد و خون خدا گردید.

و این قیام می‌کند تا ادامه دهندهٔ قیام جدّ خویش باشد و اهداف او را جامهٔ عمل بپوشاند و چنانکه رسول خدا صلی‌اللّه‌علیه‌وآله‌وسلّم وعده فرمود، دنیا را از عدل و داد پر کند، داد شهیدان بستاند و خونخواه خون خدا باشد.

و چنین است که هر دو، در یک راستا و برای یک هدف، همهٔ وجدان‌های بیدار و همهٔ انسان‌های مسئولیّت شناس را مخاطب قرار داده و می‌دهند که:

«هَلْ منْ ناصر یَنْصُرُنی وَ هَلْ منْ مُعین یُعینُنی،
هَلْ منْ ذابٌّ یَذُبُّ عَنْ حَرَمِ رَسُولِ اللّهِ
صلّی اللّه‌علیه‌و آله‌وسلّم».[۱]

آیا یاریگری هست که یاریم دهد؟ آیا کمک دهنده‌ای هست که کمک دهد؟ آیا کسی هست که از حریم رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم دفاع کند؟

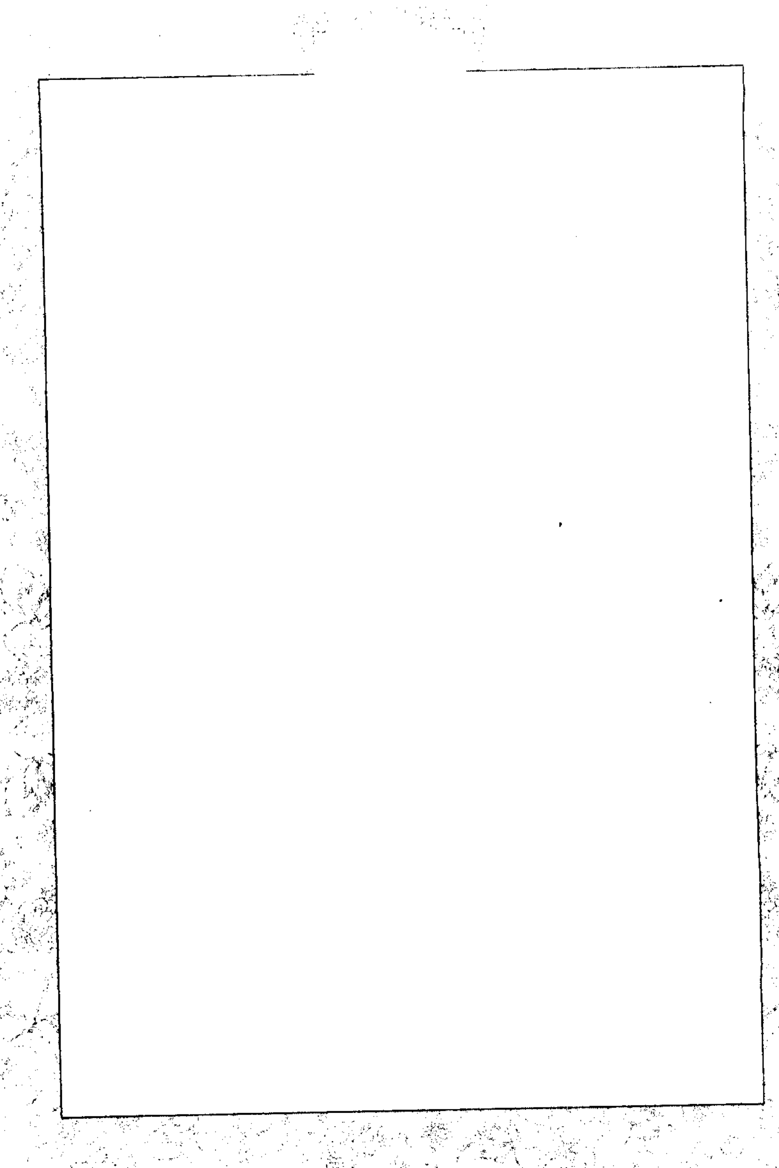
به خاطر همین ارتباط است که وقتی شیعهٔ منتظرِ ظهور امام زمان علیه السلام، این زیارت را می‌خواند، احساس ویژه دارد. گویا امام حسین علیه السلام را با همهٔ تنهایی، با همهٔ مظلومیّت، و با همهٔ حرکت و جهاد و شهادت طلبی‌اش، در امام زمان علیه السلام مجسّم می‌بیند. و با کلمات و عبارات این زیارت، فقط امام حسین علیه السلام را زیارت نمی‌کند. بلکه با حجّت باقیّهٔ خدا، امام همهٔ خلایق، پیشوای همهٔ صالحان، و فرمانده همهٔ مجاهدانِ فی سبیل الله حضرت مهدی (عجّل الله تعالی فرجه الشریف) تجدید بیعت می‌کند و بر وفاداری و جانبازی در رکاب مطهّرش پیمان تازه می‌بندد.

مسجد مقدس جمکران ـ قم

واحد تحقیقات ـ محرم الحرام ۱۴۱۸ هجری قمری

---

۱ . بحارالأنوار، ج ٤٥، ص ٤٦.



زیارت ناحیهٔ مقدّسه

یا صاحب الصّمصام ادرکنا

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحيم

اَلسَّلامُ عَلىٰ اٰدَمَ صِفْوَةِ اللهِ مِنْ خَليقَتِهِ ،

سلام بر آدم! برگزيدهٔ خدا از ميان آفريدگانش؛

اَلسَّلامُ عَلىٰ شَيْثٍ وَلِيِّ اللهِ وَ خِيَرَتِهِ ،

سلام بر شيث! ولى خدا و اختيار شدهٔ او.

اَلسَّلامُ عَلىٰ اِدْريسَ الْقآئِمِ لِلّٰهِ بِحُجَّتِهِ ،

سلام بر ادريس! برپادارنده حجّت خدا.

اَلسَّلامُ عَلىٰ نوحٍ الْمُجابِ فى دَعْوَتِهِ ،

سلام بر نوح! اجابت شدهٔ در دعايش

اَلسَّلامُ عَلىٰ هُودٍ الْمَمْدُودِ مِنَ اللهِ بِمَعُونَتِهِ ،

سلام بر هود! امداد شده به يارى از جانبِ خدا.

اَلسَّلامُ عَلىٰ صالِحٍ الَّذى تَوَّجَهُ اللّٰهُ بِكَرامَتِهِ

سلام بر صالح! که خدا تاج کرامت خویش بر سر او نهاد.

اَلسَّلامُ عَلىٰ اِبْراهيمَ الَّذى حَباهُ اللّٰهُ بِخُلَّتِهِ

سلام بر ابراهیم! که خدا مقام خلّت و دوستی خاص خویش را، بر او بخشید.

اَلسَّلامُ عَلىٰ اِسْماعيلَ الَّذى فَداهُ اللّٰهُ

سلام بر اسماعیل! که خدا قربانی گرانقدر

بِذِبْحٍ عَظيمٍ مِنْ جَنَّتِهِ ، اَلسَّلامُ عَلىٰ اِسْحٰقَ

بهشتی را، فدیه او قرار داد. سلام بر اسحق!

الَّذى جَعَلَ اللّٰهُ النُّبُوَّةَ فى ذُرِّيَّتِهِ ، اَلسَّلامُ

که خداوند پیامبری را در خاندان او، مقرّر فرمود. سلام

عَلىٰ يَعْقُوبَ الَّذى رَدَّ اللّٰهُ عَلَيْهِ بَصَرَهُ

بر یعقوب! که خداوند به رحمت خویش، بینائیش را به او

بِرَحْمَتِهِ ، اَلسَّلامُ عَلىٰ يُوسُفَ الَّذى نَجّاهُ

بازگردانید. سلام بر یوسف! که خداوند به بزرگی خود،

اللّٰهُ مِنَ الْجُبِّ بِعَظَمَتِهِ ، اَلسَّلَامُ عَلىٰ مُوسَى

او را از چاه نجات بخشید. سلام بر موسی!

الَّذى فَلَقَ اللّٰهُ الْبَحْرَ لَهُ بِقُدْرَتِهِ ، اَلسَّلَامُ

که خداوند به قدرت خود، دریا را برایش شکافت

عَلىٰ هٰارُونَ الَّذى خَصَّهُ اللّٰهُ بِنُبُوَّتِهِ ،

سلام بر هارون! که خداوند به مقام نبوّت خویش، اختصاصش داد.

اَلسَّلَامُ عَلىٰ شُعَيْبٍ الَّذى نَصَرَهُ اللّٰهُ عَلىٰ

سلام بر شعیب! که خدا او را برای غلبه بر امّتش،

اُمَّتِهِ ، اَلسَّلَامُ عَلىٰ داوُدَ الَّذى تٰابَ اللّٰهُ

یاری فرمود. سلام بر داود! که خداوند از

عَلَيْهِ مِنْ خَطيئَتِهِ ، اَلسَّلَامُ عَلىٰ سُلَيْمٰانَ

خطای او درگذشت. سلام بر سلیمان! که به عزّت خداوند،

اَلَّذى ذَلَّتْ لَهُ الْجِنُّ بِعِزَّتِهِ ، اَلسَّلَامُ

طائفه جنّ، ذلیل و مطیع او گشتند. سلام

عَلىٰ اَیُّوبَ الَّـذِی شَفاهُ اللّٰهُ مِنْ عِلَّتِهِ ،

بر ایّوب! که خداوند، از بیماری شفایش داد.

اَلـسَّلامُ عَلىٰ یُونُسَ الَّـذِی اَنْجَزَ اللّٰهُ لَهُ

سلام بر یونس! که خداوند مضمون پیمان خویش را

مَضْمُونَ عِدَتِهِ ، اَلـسَّلامُ عَلىٰ عُزَیْرٍ الَّذی

درباره او عملی ساخت. سلام بر عُزَیر! که خداوند

اَحْیاهُ اللّٰهُ بَعْدَ میتَتِهِ ، اَلـسَّلامُ عَلىٰ زَکَرِیَّا

پس از مرگش، دوباره زنده‌اش گردانید. سلام بر زکریّا!

الصّابِرِ فی مِحْنَتِهِ ، اَلسَّلامُ عَلىٰ یَحْیَ الَّذی

شکیبای در بلاها و آزمایشهایش. سلام بر یحیی! که

اَزْلَفَهُ اللّٰهُ بِشَهادَتِهِ ، اَلسَّلامُ عَلىٰ عیسىٰ

خداوند، او را با شهادتش، در مقام قرب خویش جای داد. سلام بر عیسی!

روحِ اللّٰهِ وَکَلِمَتِهِ ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ حَبیبِ

روح خدا و کلمه او. سلام بر محمّد! دوست

اللّٰهِ وَ صِفْوَتِهِ ، اَلسَّلامُ عَلىٰ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ

و برگزیده خدا. سلام بر امیرمؤمنان علی بن ابیطالب!

عَلِيِّ بْنِ اَبى طالِبٍ الْمَخْصُوصِ بِاُخُوَّتِهِ ،

اختصاص یافته به برادری رسول خدا (صلّی الله علیه و آله و سلّم).

اَلسَّلامُ عَلىٰ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ اِبْنَتِهِ ،

سلام بر فاطمه زهرا! دختر رسول خدا(صلّی الله علیه و آله و سلّم).

اَلسَّلامُ عَلىٰ اَبى مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ وَصِيِّ اَبيهِ

سلام بر ابو محمّد حسن بن علی که وصیّ پدر

وَ خَليفَتِهِ ، اَلسَّلامُ عَلَى الْحُسَيْنِ الَّذى

و جانشین او بود. سلام بر حسین آن که

سَمَحَتْ نَفْسُهُ بِمُهْجَتِهِ ، اَلسَّلامُ عَلىٰ

با خون خویش، جانش را (در راه دین) بخشید. سلام بر

مَنْ اَطاعَ اللّٰهَ فى سِرِّهِ وَ عَلانِيَتِهِ ، اَلسَّلامُ

کسی که؛ خدا را در پیدا و پنهان فرمانبری کرد. سلام

عَلىٰ مَنْ جَعَلَ اللّٰهُ الشِّفآءَ فى تُرْبَتِهِ ،

بر آن که؛ خداوند، شفای بیماریها را در خاک مزار او قرار داد.

اَلسَّلاٰمُ عَلىٰ مَنِ الْاِجابَةُ تَحْتَ قُبَّتِهِ ،

سلام بر کسی که؛ در زیر گنبد حرم او، دعا مستجاب است.

اَلسَّلاٰمُ عَلىٰ مَنِ الْاَئِمَّةُ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ ، اَلسَّلاٰمُ

سلام بر آنکه؛ امامان (علیهم‌السّلام) از خاندان و نسل اویند. سلام

عَلَى ابْنِ خاتَمِ الْاَنْبِياءِ ، اَلسَّلاٰمُ عَلَى ابْنِ سَيِّدِ

بر فرزند خاتم پیامبران، سلام بر فرزند سرور

الْأَوْصِياءِ اَلسَّلاٰمُ عَلَى ابْنِ فاطِمَةَ الزَّهْرآءِ

اوصیاء، سلام بر فرزند فاطمه زهرا (سلام الله علیها).

اَلسَّلاٰمُ عَلَى ابْنِ خَديجَةَ الْكُبْرىٰ ،

سلام بر فرزند خدیجه کبری؛

اَلسَّلاٰمُ عَلَى ابْنِ سِدْرَةِ الْمُنْتَهىٰ ،

سلام بر فرزند سدرة المنتهی؛

اَلسَّلامُ عَلَى ابْنِ جَنَّةِ الْمَأْوى ،

سلام بر فرزند بهشت ابدی؛

اَلسَّلامُ عَلَى ابْنِ زَمْزَمَ وَ الصَّفا ،

سلام بر فرزند زمزم و صفا؛

اَلسَّلامُ عَلَى الْمُرَمَّلِ بِالدِّماءِ ،

سلام بر آنکه پیکرش بخون آغشته شد.

اَلسَّلامُ عَلَى الْمَهْتُوكِ الْخِباءِ ،

سلام بر آنکه حُرمت خیمه‌گاهش شکسته شد.

اَلسَّلامُ عَلى خامِسِ اَصْحابِ اَهْلِ الْكِساءِ ،

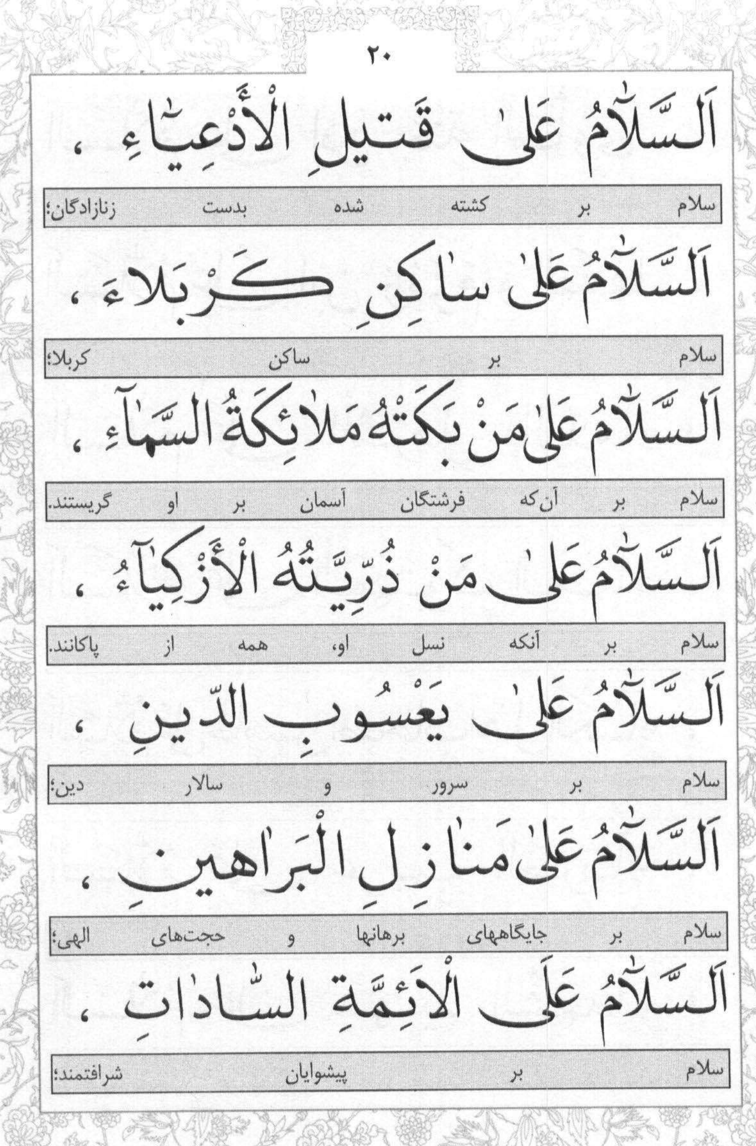
سلام بر پنجمین از اصحاب کساء؛

اَلسَّلامُ عَلى غَريبِ الْغُرَباءِ ،

سلام بر غریب غریبان؛

اَلسَّلامُ عَلى شَهيدِ الشُّهَداءِ ،

سلام بر شهید شهیدان؛



اَلسَّلامُ عَلیٰ قَتیلِ الْأَدْعِیاءِ ،

سلام بر کشته شده بدست زنازادگان؛

اَلسَّلامُ عَلیٰ ساکِنِ کَرْبَلاءَ ،

سلام بر ساکن کربلا؛

اَلسَّلامُ عَلیٰ مَنْ بَکَتْهُ مَلائِکَةُ السَّماءِ ،

سلام بر آن‌که فرشتگان آسمان بر او گریستند.

اَلسَّلامُ عَلیٰ مَنْ ذُرِّیَّتُهُ الْأَزْکِیاءُ ،

سلام بر آنکه نسل او، همه از پاکانند.

اَلسَّلامُ عَلیٰ یَعْسُوبِ الدّینِ ،

سلام بر سرور و سالار دین؛

اَلسَّلامُ عَلیٰ مَنازِلِ الْبَراهینِ ،

سلام بر جایگاههای برهانها و حجت‌های الهی؛

اَلسَّلامُ عَلَی الْأَئِمَّةِ السّاداتِ ،

سلام بر پیشوایان شرافتمند؛

اَلسَّلامُ عَلَى الْجُيُوبِ الْمُضَرَّجاتِ ،

سلام	بر	آن	گریبانهای	دریده؛

اَلسَّلامُ عَلَى الشِّفاهِ الذّابِلاتِ ،

سلام	بر	آن	لبان	خشکیده؛

اَلسَّلامُ عَلَى النُّفُوسِ الْمُصْطَلَماتِ ،

سلام	بر	آن	جانهای	بلا	رسیده؛

اَلسَّلامُ عَلَى الْاَرْواحِ الْمُخْتَلَساتِ ،

سلام	بر	آن	ارواح	ربوده	شده؛

اَلسَّلامُ عَلَى الْاَجْسادِ الْعارِياتِ ،

سلام	بر	آن	جسدهای	عریان	مانده؛

اَلسَّلامُ عَلَى الْجُسُومِ الشّاحِباتِ ،

سلام	بر	آن	پیکرهای	تغییر	رنگ	یافته؛

اَلسَّلامُ عَلَى الدِّماءِ السّائِلاتِ ،

سلام	بر	آن	خونهای	جاری؛

اَلسَّلامُ عَلَى الْأَعْضاءِ الْمُقَطَّعاتِ ،

سلام بر آن اعضای قطعه قطعه پیکرها؛

اَلسَّلامُ عَلَى الرُّؤُوسِ الْمُشالاتِ ،

سلام بر آن سرهای بالای نیزه رفته؛

اَلسَّلامُ عَلَى النِّسْوَةِ الْبارِزاتِ ،

سلام بر آن زنان بیرون آمده از خیام حرم؛

اَلسَّلامُ عَلىٰ حُجَّةِ رَبِّ الْعالَمينَ ،

سلام بر حجّت پروردگار عالمیان؛

اَلسَّلامُ عَلَيْکَ وَعَلىٰ اٰبائِکَ الطّاهِرينَ ،

سلام بر تو و بر نیاکان پاکت.

اَلسَّلامُ عَلَيْکَ وَعَلىٰ اَبْنائِکَ الْمُسْتَشْهَدينَ ،

سلام بر تو و بر فرزندان شهیدت.

اَلسَّلامُ عَلَيْکَ وَعَلىٰ ذُرِّيَّتِکَ النّاصِرينَ ،

سلام بر تو و بر خاندان یاری کننده‌ات.

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْکَ وَ عَلَى الْمَلاٰئِکَةِ الْمُضٰاجِعِينَ،

سلام بر تو و بر فرشتگانی که در ملازمت تو سر بر آستانت نهاده‌اند.

اَلسَّلاٰمُ عَلَى الْقَتِيلِ الْمَظْلُومِ،

سلام بر آن کشته شده ستمدیده؛

اَلسَّلاٰمُ عَلٰى اَخيهِ الْمَسْمُومِ،

سلام بر برادر مسمومش؛

اَلسَّلاٰمُ عَلٰى عَلِيٍّ الْكَبيرِ،

سلام بر علی اکبر؛

اَلسَّلاٰمُ عَلَى الرَّضيعِ الصَّغيرِ،

سلام بر آن شیرخوار کوچک؛

اَلسَّلاٰمُ عَلَى الْاَبْدانِ السَّليبَةِ،

سلام بر آن بدنهایی که جامه و تجهیزاتشان به غنیمت برده شده؛

اَلسَّلاٰمُ عَلَى الْعِتْرَةِ الْقَريبَةِ،

سلام بر آن اهلبیت نزدیک پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم)؛

اَلسَّلامُ عَلَى الْمُجَدَّلينَ فِى الْفَلَواتِ ،

سلام بر آن به خاک‌افتادگان در بیابانها؛

اَلسَّلامُ عَلَى النّازِحينَ عَنِ الْأَوْطانِ ،

سلام بر آن دورافتادگان از وطن‌ها؛

اَلسَّلامُ عَلَى الْمَدْفُونينَ بِلا اَكْفانٍ

سلام بر آن دفن‌شدگان بدون کفن؛

اَلسَّلامُ عَلَى الرُّؤُوسِ الْمُفَرَّقَةِ عَنِ الْأَبْدانِ ،

سلام بر آن سرهای جدا افتاده از بدنها؛

اَلسَّلامُ عَلَى الْمُحْتَسِبِ الصّابِرِ ،

سلام بر آنکه همه اعمال خویش به حساب خدا نهاد و صبر پیشه کرد.

اَلسَّلامُ عَلَى الْمَظْلُومِ بِلا ناصِرٍ ،

سلام بر آن ستمدیده بدون یاور؛

اَلسَّلامُ عَلى ساكِنِ التُّرْبَةِ الزّاكِيَةِ ،

سلام بر آن جای گرفته در خاک پاک؛

اَلسَّلامُ عَلىٰ صاحِبِ الْقُبَّةِ السّامِيَةِ ،

سلام بر صاحب آن بارگاه عالی‌رتبه؛

اَلسَّلامُ عَلىٰ مَنْ طَهَّرَهُ الْجَليلُ ،

سلام بر آن کسی که خدای بزرگ، او را پاک و مطهّر قرار داد.

اَلسَّلامُ عَلىٰ مَنِ افْتَخَرَ بِهِ جَبْرَئيلُ ،

سلام بر آنکه که جبرئیل به او افتخار می‌کرد.

اَلسَّلامُ عَلىٰ مَنْ ناغاهُ فِي الْمَهْدِ ميكائيلُ ،

سلام بر آن کسی که میکائیل با او در گهواره سخن می‌گفت و شادمانش می‌ساخت.

اَلسَّلامُ عَلىٰ مَنْ نُكِثَتْ ذِمَّتُهُ ،

سلام بر آنکه پیمانش شکسته شد.

اَلسَّلامُ عَلىٰ مَنْ هُتِكَتْ حُرْمَتُهُ ،

سلام بر کسی که حُرمتش شکسته شد.

اَلسَّلامُ عَلىٰ مَنْ اُريقَ بِالظُّلْمِ دَمُهُ ،

سلام بر آنکه خونش ستمکارانه ریخته شد.

اَلسَّلامُ عَلَى الْمُغَسَّلِ بِدَمِ الْجِراحِ ،

سلام بر آنکه با خون جراحتهایش، غسل داده شد.

اَلسَّلامُ عَلَى الْمُجَرَّعِ بِكَأْساتِ الرِّماحِ ،

سلام بر آنکه جرعه نوش جام نیزه‌ها گردید.

اَلسَّلامُ عَلَى الْمُضامِ الْمُسْتَباحِ ،

سلام بر آن مظلومی که خونش مباح شمرده شد.

اَلسَّلامُ عَلَى الْمَنْحُورِ فِى الْوَراءِ ،

سلام بر آنکه سرش را از قفا بریدند.

اَلسَّلامُ عَلى مَنْ دَفَنَهُ اَهْلُ الْقُرى ،

سلام بر آنکه روستانشینان (قبیله بنی‌اسد) بدنش را دفن نمودند.

اَلسَّلامُ عَلَى الْمَقْطُوعِ الْوَتينِ ،

سلام بر آنکه شاهرگش بریده شد.

اَلسَّلامُ عَلَى الْمُحامى بِلامُعينٍ ،

سلام بر آنکه در حمایت‌از دین، بی‌یاور ماند.



اَلسَّلامُ عَلَى الشَّيْبِ الْخَضيبِ ،

سلام بر آن محاسن با خون خضاب شده،

اَلسَّلامُ عَلَى الْخَدِّ التَّريبِ ،

سلام بر آن گونه خاک آلوده،

اَلسَّلامُ عَلَى الْبَدَنِ السَّليبِ ،

سلام بر آن بدن که لباسش به غنیمت برده شد.

اَلسَّلامُ عَلَى الثَّغْرِ الْمَقْرُوعِ بِالْقَضيبِ ،

سلام بر آن دندان که با چوب خیزران بر آن نواخته شد.

اَلسَّلامُ عَلَى الرَّأْسِ الْمَرْفُوعِ ،

سلام بر آن سر بالا رفته بر نیزه‌ها.

اَلسَّلامُ عَلَى الْأَجْسامِ الْعارِيَةِ فِي الْفَلَواتِ

سلام بر آن پیکرهای عریان مانده در صحراها

تَنْهَشُهَا الذِّئابُ الْعادِياتُ وَ تَخْتَلِفُ اِلَيْها

که گرگهای تجاوزگر، تکه پاره‌شان می‌کردند و وحشیان درنده‌خو(درندگان خونخوار)

اَلسِّباعُ الضّارِياتُ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا

بر گرداگردشان در رفت و آمد بودند. سلام بر تو ای

مَوْلایَ، وَ عَلَى الْمَلائِكَةِ الْمَرْفُوفينَ حَوْلَ

مولای من! و بر فرشتگانی که بر گرد گنبدِ بارگاهت پرواز می‌کنند، و بر اطراف

قُبَّتِكَ، الْحافّينَ بِتُرْبَتِكَ، الطّائِفينَ

تربت مزارت می‌گردند، و در صحن و سرای آستانت طواف می‌کنند،

بِعَرْصَتِكَ، الْوارِدينَ لِزِيارَتِكَ اَلسَّلامُ

و برای زیارت تو وارد گشته‌اند. سلام

عَلَيْكَ فَإِنّي قَصَدْتُ إِلَيْكَ وَ رَجَوْتُ

بر تو! من به سوی تو رو کرده‌ام و امید

الْفَوْزَ لَدَيْكَ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ سَلامَ

رستگاری در پیشگاه تو دارم. سلام بر تو!

الْعارِفِ بِحُرْمَتِكَ، الْمُخْلِصِ فِي وِلايَتِكَ،

سلام کسی که به حرمت تو آشناست، و در ولایت و دوستی تو اخلاص می‌ورزد،

الْمُتَقَرِّبِ اِلَی اللهِ بِمَحَبَّتِکَ، الْبَرِیءِ

و با محبت تو به سوی خدا تقرّب می‌جوید، و از دشمنان تو

مِنْ اَعْدائِکَ ، سَلامَ مَنْ قَلْبُهُ بِمُصابِکَ

بیزار است. سلام کسی که قلبش از مصیبت تو جریحه دار

مَقْرُوحٌ وَ دَمْعُهُ عِنْدَ ذِکْرِکَ مَسْفُوحٌ،

و اشکش به هنگام یاد تو جاری است. سلام کسی که (در غم عزای تو)

سَلامَ الْمَفْجُوعِ الْحَزِینِ الْوالِهِ الْمُسْتَکِینِ،

مصیبت زده و اندوهگین و سرگشته و بیچاره گشته است.

سَلامَ مَنْ لَوْ کانَ مَعَکَ بِالطُّفُوفِ لَوَقاکَ

سلام کسی که اگر با تو در کربلا می‌بود با جانش، از تو در

بِنَفْسِهِ حَدَّ السُّیُوفِ، وَ بَذَلَ حُشاشَتَهُ

مقابل تیزی شمشیرها محافظت می‌نمود، و نیمه جان ناقابلش را

دُونَکَ لِلْحُتُوفِ وَ جاهَدَ بَیْنَ یَدَیْکَ، وَ

برای حفظ تو به چنگال مرگ می‌بخشید، و در پیشگاهت جهاد می‌کرد و

نَصَرَکَ عَلیٰ مَنْ بَغیٰ عَلَیْکَ، وَفَداکَ بِرُوحِهِ

تو را علیه کسانی که بر تو ستمگرانه شوریدند، یاری می‌داد و جان

وَ جَسَدِهِ وَ مالِهِ وَ وَلَدِهِ وَ رُوحُهُ لِرُوحِکَ

و تن و دارایی و فرزندان خویش را فدای تو می‌کرد. جانش

فِداءٌ، وَ اَهْلُهُ لِاَهْلِکَ وِقاءٌ، فَلَئِنْ اَخَّرَتْنِی

فدای جان تو، و اهلبیتش سپر بلای اهلبیت تو می‌بود. پس اگر روزگاران مرا

الدُّهُورُ وَ عاقَنِی عَنْ نَصْرِکَ الْمَقْدُورُ وَلَمْ اَکُنْ

به تأخیر انداختند، و تقدیر الهی مرا از یاری تو بازداشت، و نبودم تا با آنانکه با تو

لِمَنْ حارَبَکَ مُحارِباً وَلِمَنْ نَصَبَ لَکَ

جنگیدند بجنگم، و با آنانکه به دشمنی تو برخاستند،

الْعَداوَةَ مُناصِباً، فَلَأَنْدُبَنَّکَ صَباحاً

به دشمنی برخیزم؛ (در عوض) هر صبح و شام بر تو ندبه

وَمَساءً، وَلَأَبْکِیَنَّ لَکَ بَدَلَ الدُّمُوعِ دَماً،

و زاری می‌کنم و بر تو به جای اشک، خون گریه می‌نمایم.

حَسْرَةً عَلَيْکَ وَتَأَسُّفاً عَلىٰ ماٰدَهاٰکَ وَ

از روی حسرت بر تو و از سر سوز و تأسف بر مصیبت‌هایی که بر تو وارد گشت؛

تَلَهُّفاً حَتّٰی اَمُوْتَ بِلَوْعَةِ الْمُصاٰبِ وَغُصَّةِ

تا آن زمان‌که دراثر سوز جانفرسای مصیبت وغصّه جانکاه واندوه فراوان، جان سپارم.

الْاِکْتِیاٰبِ ، اَشْهَدُ اَنَّکَ قَدْاَقَمْتَ الصَّلٰوةَ،

گواهی می‌دهم که تو نماز را به پا داشتی،

وَاٰتَیْتَ الزَّکٰوةَ وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَیْتَ عَنِ

و زکات دادی، و به نیکی فرمان دادی، و از زشتی و تجاوز

الْمُنْکَرِ وَ الْعُدْواٰنِ ، وَأَطَعْتَ اللّٰهَ وَماٰ

بازداشتی، و خدا را فرمانبر بودی و

عَصَیْتَهُ وَتَمَسَّکْتَ بِهِ وَبِحَبْلِهِ فَاَرْضَیْتَهُ، وَ

نافرمانی او نکردی، و به او و به ریسمان او تمسّک جُستی تا او را خشنود ساختی، و

خَشِیتَهُ وَ راٰقَبْتَهُ وَ اسْتَجَبْتَهُ، وَسَنَنْتَ

از او ترسان بودی، ومراقب فرمان اوبودی، وخواسته‌های اورا اجابت کردی، وسنّت‌های

السُّنَنَ، وَاَطْفَأْتَ الْفِتَنَ، وَدَعَوْتَ اِلَی الرَّشادِ،

الهی را بر پا داشتی، و آتش فتنه‌ها را خاموش ساختی، و مردم را به سوی هدایت و

وَ اَوْضَحْتَ سُبُلَ السَّدادِ، وَجاهَدْتَ فِی

کمال فرا خواندی، و راههای استوارِ حقیقت را آشکار کردی، و در راه خدا،

اللهِ حَقَّ الْجِهادِ، وَكُنْتَ لِلّٰهِ طائِعاً وَ لِجَدِّکَ

به حق، جهاد نمودی. و تو فرمانبردار خداوند و پیروی‌کننده جدّ بزرگوارت

مُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ تابِعاً، وَلِقَوْلِ

حضرت محمّد(صلّی الله علیه وآله وسلّم)، و گوش‌کننده فرمایشات

اَبِیکَ سامِعاً، وَ اِلٰی وَصِیَّةِ اَخِیکَ مُسارِعاً

پدرت(امیرالمؤمنین علیه السلام)،و پیشی گیرنده به‌انجام وصیّت برادرت(امام حسن علیه السلام)، بودی.

وَ لِعِمادِ الدِّینِ رافِعاً، وَ لِلطُّغْیانِ قامِعاً، وَ

و تو بر افرازنده پایه دین، و ریشه‌کن‌کننده ستم و گردنکشی، و

لِلطُّغاةِ مُقارِعاً، وَلِلْاُمَّةِ ناصِحاً، وَ فی

درهم‌کوبنده تجاوزگران‌وسرکشان،وخیرخواه امّت پیامبر(صلّی الله علیه و آله)، بودی.

غَمَراتِ المَوْتِ سابِحاً، وَلِلْفُسّاقِ مُكافِحاً

(در راه خدا) شناگر گردابهای مرگ، و مبارزه‌کننده با فاسقان، و اقامه‌کننده

وَبِحُجَجِ اللهِ قآئِماً، وَلِلْاِسْلامِ وَالْمُسْلِمينَ

حجت‌های الهی، و رحمت‌آورنده بر اسلام و مسلمانان،

راحِماً، وَلِلْحَقِّ ناصِراً، وَعِنْدَ الْبَلاءِ صابِراً،

و یاری‌دهنده حق، بودی. در هنگام سختی و بلا، شکیبا

وَلِلدّينِ كالِئاً، وَعَنْ حَوْزَتِهِ مُرامِياً، تَحُوطُ

و حفظ کننده دین و مدافع حریم آن بودی. (طریق) هدایت را

الْهُدىٰ وَ تَنْصُرُهُ، وَتَبْسُطُ الْعَدْلَ

نگاهبانی کرده و یاریش می‌دادی. عدالت را نشر داده

وَتَنْشُرُهُ، وَتَنْصُرُ الدّينَ وَتُظْهِرُهُ، وَتَكُفُّ

و گسترش می‌بخشیدی. دین را یاری داده و آشکار می‌کردی. کسانی که دین را به

الْعابِثَ وَتَزْجُرُهُ وَتَأْخُذُ لِلدَّنِيِّ مِنَ الشَّريفِ،

بازیچه گرفته بودند منع کرده‌وبازشان‌می‌داشتی. حقوق ضعیفان را از اشراف می‌گرفتی!

وَتُساوي فِي الْحُكْمِ بَيْنَ الْقَوِيِّ وَالضَّعيفِ ،

و در قضاوت توانا و ناتوان را یکسان می‌شمردی.

كُنْتَ رَبيعَ الْأَيْتامِ ،وَعِصْمَةَ الْأَنامِ، وَ عِزَّ

تو بهار یتیمان، حافظ و پناه مردم، سربلندی

الْإِسْلامِ، وَ مَعْدِنَ الْأَحْكامِ وَ حَليفَ

اسلام، جایگاه احکام الهی و هم‌پیمان بخشش و احسان بودی. تو پوینده راه و روشهای

الْأَنْعامِ، سالِكاً طَرآئِقَ جَدِّكَ وَ ابيكَ،

جدّ بزرگوارت(رسول خدا صلّی الله علیه و آله) و پدر گرامیت (امیر المؤمنین علیه السلام)

مُشْبِهاً فِي الْوَصيَّةِ لِأَخيكَ، وَفِيَّ الذِّمَمِ

بوده و در عمل به سفارشها، همانند برادرت بودی. وفادار به تعهّدات و پیمانها،

رَضِيَّ الشِّيَمِ ، ظاهِرَ الْكَرَمِ ، مُتَهَجِّداً فِي

دارای خصلت‌های پسندیده، دارنده بزرگواری و بخشش آشکار، شب زنده‌دار در

الظُّلَمِ ،قَويمَ الطَرآئِقِ ،كَريمَ الخَلائِقِ، عَظيمَ

تاریکیها، با روشهای استوار، با منشهای بزرگوارانه، دارای گذشته‌های

السَّوابِقِ، شَريفَ النَّسَبِ، مُنيفَ الْحَسَبِ

درخشان، با نَسَب شرافتمندانه، با حَسَب والاء،

رَفيعَ الرُّتَبِ، كَثيرَ الْمَناقِبِ، مَحْمُودَ الضَّرائِبِ،

با مقامات و رتبه‌های عالی، با فضائل بسیار، با سرشتهای پسندیده و مورد ستایش،

جَزيلَ الْمَواهِبِ، حَليمٌ رَشيدٌ مُنيبٌ جَوادٌ

با موهبت‌های فراوان، بردبارِ کمال یافته، روکننده بسوی خدا، بخشنده،

عَليمٌ شَديدٌ اِمامٌ شَهيدٌ اَوّاهٌ مُنيبٌ

دانا، قدرتمند و توانا، پیشوای شهید، نالان و زاری‌کننده در پیشگاه خدا،

حَبيبٌ مَهيبٌ ، كُنْتَ لِلرَّسُولِ صَلَّى اللهُ

دوست داشته شده و با هیبت و وقار بودی. تو برای پیامبر(صلّی الله علیه

عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَلَداً ، وَ لِلْقُرْآنِ سَنَداً ،

و آله و سلّم، فرزند؛ و برای قرآن پشتوانه؛

وَلِلأُمَّةِ عَضُداً، وَ فِى الطّاعَةِ مُجْتَهِداً ،

و برای امّت اسلام، بازوی یاری؛ و در اطاعت خدا، بسیار کوشا بودی.

حافِظاً لِلعَهْدِ وَ الْمیثاقِ ناکِباً عَنْ

تو نگاهبان عهد و پیمان بودی. از راههای گناهکاران و فاسقان

سُبُلِ الْفُسّاقِ، باذِلاً لِلْمَجْهُودِ، طَویلَ

رویگردان بودی. آنچه را در طاقت و توان داشتی (در راه خدا) نثار کردی. رکوعها

الرُّکُوعِ وَ السُّجُودِ، زاهِداً فِی الدُّنْیا زُهْدَ

و سجده‌های طولانی داشتی. در دنیا همچون کسانی که در آستانه

الرّاحِلِ عَنْها، ناظِراً اِلَیْها بِعَیْنِ الْمُسْتَوْحِشینَ

کوچ از دنیا هستند، زهد ورزیدی. به دنیا از دیدگاه ترسندگان و وحشتزدگان از آن

مِنْها، امالُکَ عَنْها مَکْفُوفَةٌ وَ هِمَّتُکَ عَنْ

نگریستی. آرزوهایت از دنیا بازداشته شده، و اهتمامت از

زینَتِها مَصْرُوفَةٌ، وَ اَلْحاظُکَ عَنْ

زیور و زینت آن برگردانده شده، و نگاههایت از سرور و شادمانی آن

بَهْجَتِها مَطْرُوفَةٌ، وَ رَغْبَتُکَ فِی الْاخِرَةِ

پوشیده شده، و شوق و رغبت تو به سرای آخرت، مشهور و

مَعرُوفَةٌ، حَتّیٰ اِذَا الْجَوْرُ مَدَّ باٰعَهُ،

معروف بود. تا آن زمان که ستم، دست تعدّی دراز کرد و ظلم و

وَأَسْفَرَ الظُّلْمُ قِناٰعَهُ، وَدَعَی الْغَیُّ اَتْباٰعَهُ،

بیداد، نقاب از چهره برافکند و ضلالت و گمراهی، پیروان خویش را فرا خواند؛

وَ اَنْتَ فی حَرَمِ جَدِّکَ قاٰطِنٌ، وَلِلظّاٰلِمینَ

درحالی‌که تو در حرم جدّ بزگوارت پیامبر سکنی گزیده بودی و از ستم‌پیشگان

مُباٰیِنٌ، جَلیسُ الْبَیْتِ وَالْمِحْراٰبِ، مُعْتَزِلٌ

دوری گزیده، همدم محراب و خانه گشته، از لذّتها

عَنِ اللَّذّاٰتِ وَ الشَّهَواٰتِ، تُنْکِرُ الْمُنْکَرَ

و شهوتها بریده، به مقدار توانایی و امکانات خویش با قلب و زبان

بِقَلْبِکَ وَلِساٰنِکَ عَلیٰ حَسَبِ طاٰقَتِکَ وَ

به انکار منکرات و ردّ ناپسندیها پرداخته بودی.

اِمْکاٰنِکَ ، ثُمَّ اقْتَضاٰکَ الْعِلْمُ لِلْاِنْکاٰرِ،

پس در آن زمان بود که آگاهیت موجب انکار عملی گردید،

وَ لَزِمَکَ اَنْ تُجاهِدَ الفُجّارَ، فَسِرْتَ فِي

و بر تو لازم شد که با فاجران و بدکاران به جهاد برخیزی، پس

اَولادِکَ وَ أَهالِیکَ وَ شیعَتِکَ وَ مَوالِیکَ،

همراه با فرزندان و خویشانت و پیروان و دوستدارانت حرکت کردی،

وَ صَدَعْتَ بِالْحَقِ وَ الْبَیِّنَةِ، وَ دَعَوْتَ

و از حقیقت و برهانهای الهی آشکارا سخن گفتی، و با حکمت و اندرز نیکو

اِلَی اللهِ بِالْحِکْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ،

مردم را به سوی خدا دعوت کردی، و به برپایی

وَ اَمَرْتَ بِاِقامَةِ الْحُدُودِ وَالطّاعَةِ لِلْمَعْبُودِ،

حدود الهی و فرمانبری از پروردگار فرمان دادی،

وَنَهَیْتَ عَنِ الْخَبآئِثِ وَ الطُّغْیانِ ،

و از پلیدیها و سرکشی بازداشتی.

وَ واجَهُوکَ بِالظُّلْمِ وَ الْعُدْوانِ، فَجاهَدْتَهُمْ

امّا آنان با ستم و تجاوز و دشمنی به مقابله با تو برخاستند. پس تو نیز بدنبال

بَعْدَ الْاِیعازِ لَهُمْ، وَتَأْکیدِ الْحُجَّةِ عَلَیْهِمْ،

ترساندن آنان از عذابهای الهی و تأکید بر حجّت الهی، با ایشان به مبارزه پرداختی.

فَنَکَثُوا ذِمامَکَ وَ بَیْعَتَکَ، وَ اَسْخَطُوا

پس آنان پیمانها و بیعت تو را شکستند، و پروردگارت و

رَبَّکَ وَجَدَّکَ، وَبَدَؤُوکَ بِالْحَرْبِ،

جدّ مطهّرت را به خشم آوردند، و جنگ را با تو آغاز کردند.

فَثَبَتَّ لِلطَّعْنِ وَالضَّرْبِ، وَطَحَنْتَ جُنُودَ

پس تو برای وارد آوردن ضربات نیزه و شمشیر، استوار بپا خاستی و لشکریان بدکاره

الْفُجّارِ، وَاقْتَحَمْتَ قَسْطَلَ الْغُبارِ مُجالِداً

و معصیت پیشه را به هلاکت رساندی و چنان با ذوالفقار شمشیرزنان به گرد و غبار

بِذِی الْفَقارِ، کَأَنَّکَ عَلِیٌّ الْمُخْتارُ، فَلَمّا

عرصه جنگ فرو رفتی که گویا تو همان برگزیده حقّ حضرت علی«علیه السلام» هستی. پس

رَاَوْکَ ثابِتَ الْجاشِ غَیْرَ خائِفٍ وَلا خاشٍ،

چون تو را استوار و قوی دل، بدون هیچگونه ترس و هراسی دیدند.

نَصَبُوا لَکَ غَوائِلَ مَکْرِهِم، وَ قاتَلُوکَ

دامهای مرگ‌آفرین مکرشان را بر راهت نهادند. و با نیرنگ و شرارت‌شان

بِکَیْدِهِمْ وَشَرِّهِمْ ، وَاَمَرَ اللَّعینُ جُنُودَهُ،

به ستیز تو برخاستند. و آن نفرین شده دور از رحمت حق به لشکریانش فرمان داد،

فَمَنَعُوکَ الْماءَ وَ وُرُودَهُ، وَ ناجَزُوکَ

تا تو را از آب و ورود بر آب بازداشتند، و به مبارزه با تو شتافتند، و در فرود از

الْقِتالَ ،وَ عاجَلُوکَ النِّزالَ، وَ رَشَقُوکَ

شتران و رو در رو جنگیدن با تو شتاب ورزیدند، و تیرباران و سنگبارانت نمودند،

بِالسِّهامِ وَالنِّبالِ،وَ بَسَطُوا اِلَیْکَ اَکُفَّ

و دستهای بلاخیزِ بنیاد برانداز را، بسویت گشودند و در کشتن دوستانت و غارت زاد

الْاِصْطِلامِ، وَ لَمْ یَرْعَوْا لَکَ ذِماماً ، وَلا

و راحله‌ات، نه حرمت را برایت مراعات کردند،ونه‌ازهیچ‌حرام‌درباره تو اندیشه کردند.

راقَبُوا فیکَ اَثاماً فی قَتْلِهِمْ اَوْلِیائَکَ،

و تو همچنان (در گرما گرم جنگ) در دل گرد و غبار میدان،

وَنَهْبِهِمْ رِحالَکَ وَاَنْتَ مُقَدَّمٌ فِی الْهَبَواتِ،

به پیش می‌تاختی و ناملایمات و اذیت‌ها

وَمُحْتَمِلٌ لِلْأَذِيّاتِ، قَدْ عَجِبَتْ مِنْ

را تحمّل می‌کردی، تا آنجا که فرشتگان آسمانها

صَبْرِکَ مَلائِکَةُ السَّمٰواتِ ، فَاَحْدَقُوا بِکَ

از صبر و استقامت تو شگفت‌زده شدند. پس دشمنان

مِنْ کُلِّ الْجِهاتِ، وَأَثْخَنُوکَ بِالْجِراحِ،

از هر طرف گرداگرد تو حلقه زدند و با زخمهای فراوان تو را

وَحالُوا بَیْنَکَ وَبَیْنَ الرَّواحِ، وَلَمْ یَبْقَ لَکَ

از پای انداختند و راه نجات را بر تو بستند. و تو را یاوری نمانده بود

ناصِرٌ، وَ اَنْتَ مُحْتَسِبٌ صابِرٌ تَذُبُّ

و تو همه چیز را به حساب خدا نهاده صبر می‌کردی

عَنْ نِسْوَتِکَ وَاَوْلادِکَ ، حَتّٰی نَکَسُوکَ

و از زنان حرم و فرزندانت دفاع می‌نمودی، تا اینکه تو را

عَن جَوادِکَ، فَهَوَیْتَ اِلَی الْاَرْضِ جَریحاً

از اسبت سرنگون ساختند، و با بدنی سرتاسر جراحت، بر خاک افتادی،

تَطَؤُکَ الْخُیُولُ بِحَوافِرِها، وَ تَعلُوکَ

در حالی که اسبها تو را لگدکوب می‌کردند، و تجاوزپیشگان کافر تو را

الطُّغاةُ بِبَواتِرِها، قَدْ رَشَحَ لِلْمَوْتِ

با شمشیرهایشان ضربه می‌زدند. عرق مرگ بر پیشانی

جَبینُکَ، وَ اخْتَلَفَتْ بِالْاِنْقِباضِ وَالْاِنْبِساطِ

مبارکت نشسته، و راست و چپ بدن مبارکت

شِمالُکَ وَیَمینُکَ، تُدیرُ طَرْفاً خَفِیّاً

به تناوب، انقباض و انبساط یافت،

اِلی رَحْلِکَ وَ بَیْتِکَ، وَ قَدْ شُغِلْتَ

و تو هنوز گوشه چشمی به سوی حرم و خیامت می‌گرداندی، در حالیکه

بِنَفْسِکَ عَنْ وُلْدِکَ وَ اَهالیکَ

دیگر آنچه بر تو می‌گذشت، تو را از فرزندان و اهلبیتت

وَ اَسْرَعَ فَرَسُکَ شارِداً اِلیٰ خِیامِکَ

باز می‌داشت. و اسب تو شیون‌کنان از تو دور شده، شیهه‌کشان و گریه‌کنان

قاصِداً مُحَمْحِماً باکِیاً فَلَمّا رَاَیْنَ

به قصد خیام حرمت سرعت گرفت. همینکه

النِّسآءُ جَوادَکَ مَخْزِیّاً ، وَ نَظَرْنَ

بانوان حرم، اسب تو را، بلا زده و خواری رسیده دیدند، و زین تو را

سَرْجَکَ عَلَیْهِ مَلْوِیّاً ، بَرَزْنَ مِنَ الْخُدُورِ

بر آن واژگونه یافتند، از پس پرده خیمه‌ها برآمدند در حالی که گیسوان‌شان را

ناشِراتِ الشُّعُورِ عَلَی الْخُدُودِ لاطِماتِ

بر چهره‌ها پریشان ساخته و نقاب از چهره انداخته و سیلی بر صورت‌هایشان

الْوُجُوهِ سافِراتٍ، وَ بِالْعَویلِ داعِیاتٍ،

می‌زدند، و با صدای بلند گریه می‌کردند، و ناله و فریادکنان تو را می‌خواندند. آنان

وَبَعْدَ الْعِزِّ مُذَلَّلاتٍ، وَ اِلیٰ مَصْرَعِکَ مُبادِراتٍ

بعد از عمری عزّت، به ذلّت و خواری گرفتار شده بودند، و به سوی قتلگاه تو می‌شتافتند.

وَالشِّمْرُ جالِسٌ عَلىٰ صَدْرِکَ، وَمُولِغٌ سَيْفَهُ

در حالی که شمر بر روی سینه تو نشسته بود و شمشیر تشنه‌اش را بر گلوگاه تو

عَلىٰ نَحْرِکَ، قابِضٌ عَلىٰ شَيْبَتِکَ بِيَدِهِ، ذابِحٌ

نشانده،از خون گلویت سیراب می‌کرد، با دست پلیدش، محاسن شریف ترا گرفته بود

لَکَ بِمُهَنَّدِهِ ، قَدْ سَکَنَتْ حَواسُّکَ، وَ

و با شمشیر تیزش سر از بدنت جدا می‌کرد. حواست از حرکت باز ایستاد، و

خَفِيَتْ اَنْفاسُکَ ، وَ رُفِعَ عَلَى الْقَناةِ

نفسهای شریفت نهان گشت، و سر مبارکت بر فراز نیزه بالا رفت، و اهل و عیالت

رَاْسُکَ ، وَسُبِيَ أَهْلُکَ کَالْعَبيدِ، وَصُفِّدُوا

همچون بردگان به اسیری گرفته شدند؛ و بر بالای جهاز شتران،

فِي الْحَديدِ فَوْقَ اَقْتابِ الْمَطِيّاتِ، تَلْفَحُ

در غل و زنجیر به بند کشیده شدند. حرارت آفتاب داغ نیمروزها

وُجُوهَهُمْ حَرُّ الْهاجِراتِ ، يُساقُونَ فِي

چهره‌هاشان را می‌سوزاند، در صحراها و بیابانها به جلو

الْبَرٰارِی و الْفَلَوٰاتِ، اَیْدِیهِمْ مَغْلُولَةٌ اِلَی

رانده می‌شدند، دستان‌شان با زنجیر به گردن‌های‌شان

الْأَعْنٰاقِ، یُطٰافُ بِهِمْ فِی الْأَسْوٰاقِ ، فَالْوَیْلُ

بسته شده بود و در بازارها چرخانده می‌شدند. پس وای بر

لِلْعُصٰاةِ الْفُسّٰاقِ لَقَدْ قَتَلُوا بِقَتْلِکَ

آن گناهکاران و فاسقان، که با کشتن تو، اسلام را

الْاِسْلٰامَ ، وَ عَطَّلُوا الصَّلٰوةَ وَ الصِّیٰامَ، وَ

کشتند، و نماز و روزه را ضایع و متروک ساختند، و

نَقَضُوا السُّنَنَ وَالْاَحْکٰام،وَهَدَمُوا قَوٰاعِدَ

سنّتهای الهی و احکام دین را شکستند، و پایه‌های ایمان را

الْإِیمانِ، وَحَرَّفُوا اٰیٰاتِ الْقُرْاٰنِ وَ هَمْلَجُوا

ویران نمودند. و آیه‌های قرآن را تحریف کردند و حیوان صفت

فِی الْبَغْیِ وَالْعُدْوانِ ، لَقَدْاَصْبَحَ رَسُولُ اللّٰهِ

در ظلم و تجاوز سرعت گرفتند. براستی (که با شهادت تو) رسول خدا(ص)

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَوْتُوراً ، وَعَادَ كِتَابُ

مظلوم واقع گشت (و خونخواه خون بنا حق ریخته‌ات شد) و کتاب خدای عزّوجل

اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ مَهْجُوراً وَ غُودِرَ الْحَقُّ إِذْ

متروک و مهجور گردید. و چون تو مقهور و مغلوب گشتی، حق و حقیقت مورد

قُهِرْتَ مَقْهُوراً وَ فُقِدَ بِفَقْدِكَ التَّكْبِيرُ وَالتَّهْلِيلُ

خیانت قرار گرفت. و با فقدان تو ذکر تکبیر (اللّٰه اکبر)

وَالتَّحْرِيمُ وَالتَّحْلِيلُ وَالتَّنْزِيلُ وَالتَّأْوِيلُ

و تهلیل و حرام و حلال دین خدا و تنزیل و تأویل قرآن، مفقود و ناپیدا گشت.

وَظَهَرَ بَعْدَكَ التَّغْيِيرُ وَالتَّبْدِيلُ وَالْإِلْحَادُ

و پس از تو تغییر و دگرگونی (در احکام خدا) و کفر و بی‌دینی و

وَالتَّعْطِيلُ وَ الْأَهْوَاءُ وَ الْأَضَالِيلُ وَالْفِتَنُ

وانهادگی سنّتهای الهی و هوی و هوس‌ها و گمراهیها و فتنه‌ها و باطلها،

وَالْأَبَاطِيلُ ، فَقَامَ نَاعِيكَ عِنْدَ قَبْرِ جَدِّكَ

ظاهر گشت پس خبردهنده شهادت تو، نزد قبر جدّ بزرگوارت

الرَّسُولِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَ اٰلِهِ، فَنَعاکَ

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) ایستاد، و با اشک ریزان

اِلَیْهِ بِالدَّمْعِ الْهَطُولِ قٰائِلاً یٰا رَسُولَ

خبر شهادت تو را به او داد.

اللّٰهِ! قُتِلَ سِبطُکَ وَ فَتٰاکَ، وَ اسْتُبِیحَ

و گفت: ای رسول‌خدا! نوه و جوان تو کشته شد و

اَهْلُکَ وَ حِمٰاکَ، وَ سُبِیَتْ بَعْدَکَ

حُرمت اهلبیت و حریم تو شکسته و مباح شمرده شد، و فرزندان تو پس از تو

ذَرٰارِیکَ، وَ وَقَعَ الْمَحْذُورُ بِعِتْرَتِکَ وَ

به اسارت گرفته شدند، و مصائب و ناگواریها بر خانواده و بستگان تو

ذَوِیکَ ، فَانْزَعَجَ الرَّسُولُ، وَ بَکیٰ قَلْبُهُ

وارد گشت. پس رسول‌خدا(صلی الله علیه و آله) ناراحت و مضطرب شد، و قلبِ هراس گرفته‌اش

الْمَهُولُ، وَعَزّٰاهُ بِکَ الْمَلاٰئِکَةُ وَ الْأَنْبِیٰاءُ ،

گریان شد، و فرشتگان و پیامبران در شهادت تو به او تسلیت گفتند.

وَفُجِعَتْ بِکَ اُمُّکَ الزَّهْرآءُ، وَاخْتَلَفَتْ

و مادرت حضرت زهرا(علیها السلام) در ماتم تو مصیبت‌زده و دردمند شد، و لشکریانی از

جُنُودُ الْمَلآئِکَةِ الْمُقَرَّبِینَ تُعَزّي اَباکَ

فرشتگان مقرّب خدا برای تسلیت‌گویی به پدر بزرگوارت امیرالمؤمنین(علیه‌السلام)

أَمیرَالْمُؤْمِنِینَ وَاُقِیمَتْ لَکَ الْمَاٰتِمُ فِي اَعْلا

به آمد و رفت پرداختند، و مجالس ماتم برای تو در عالم ملکوت (اعلاعلیّین)

عِلِّیِّینَ، وَلَطَمَتْ عَلَیْکَ الْحُورُ الْعِینُ، وَ

برپا شد. پریان بهشتی در عزای تو بر سر و صورت زدند،

بَکَتِ السَّماٰءُ وَسُکّانُها، وَالْجِناٰنُ وَخُزّانُها

و آسمان و ساکنانش، بهشت و نگاهبانانش،

وَالْهِضاٰبُ وَاَقْطاٰرُها، وَالْبِحاٰرُ وَحِیتاٰنُها،

کوهها و دامنه‌هایشان، دریاها و ماهی‌های‌شان؛

وَالْجِناٰنُ وَوِلْداٰنُها، وَالْبَیْتُ وَالْمَقاٰمُ،

باغهای بهشتی و نوجوانان‌شان، خانه کعبه و مقام ابراهیم

وَ الْمَشْعَرُ الْحَرامُ، والْحِلُّ وَ الْاَحْرامُ،

و مشعرالحرام و حرم بیت‌الله و اطراف آن، همگی در ماتمت گریستند.

اَللّٰهُمَّ فَبِحُرْمَةِ هٰذَا الْمَكانِ الْمُنيفِ، صَلِّ

خدایا! به حُرمت این مکان بلندمرتبه، بر محمّد

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاحْشُرْني في

و خاندان او درود و رحمت فرست، و مرا در زمره آنان

زُمْرَتِهِمْ، وَ اَدْخِلْنِى الْجَنَّةَ بِشَفاعَتِهِمْ،

محشور فرما، و با شفاعت آنان وارد بهشت ساز!

اَللّٰهُمَّ اِنّى اَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ يا اَسْرَعَ الْحاسِبينَ،

خدایا! من به تو توسّل می‌جویم. ای سریع‌ترین حسابگران!

وَيا اَكْرَمَ الْاَكْرَمينَ، وَيا اَحْكَمَ الْحاكِمينَ،

و ای کریم‌ترین کریمان! و ای برترین حاکمان!

بِمُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيّينَ، وَ رَسُولِكَ اِلَى

و به محمّد (صلی الله علیه و آله و سلم) خاتم پیامبران و فرستاده تو بسوی

الْعَالَمِینَ اَجْمَعِینَ ، وَ بِأَخِیهِ وَ ابْنِ

همه عالمیان؛ و به برادر و پسر عمویش، آن

عَمِّهِ الْأَنْزَعِ الْبَطِینِ، الْعَالِمِ الْمَکِینِ ،عَلِیِّ

بلند پیشانی میان قوی، دانشمند بلندمقام، حضرت علی

اَمِیرِالْمُؤْمِنِینَ وَ بِفَاطِمَةِ سَیِدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ

امیرمؤمنان (علیه السلام)؛ و به فاطمه زهرا (سلام الله علیها) سرور زنان عالمیان و

وَ بِالْحَسَنِ الزَّکِیِّ عِصْمَةِ الْمُتَّقِینَ وَ بِأَبِي

به حسن بن علی(علیه السلام) پاکیزه جان درست کردار و پناه پرهیزکاران؛ و به

عَبْدِ اللهِ الْحُسَیْنِ اَکْرَمِ الْمُسْتَشْهَدِینَ

ابی عبدالله الحسین (علیه‌السلام) گرامی‌ترین شهیدان؛

وَ بِاَوْلَادِهِ الْمَقْتُولِینَ، وَ بِعِتْرَتِهِ الْمَظْلُومِینَ ،

و به فرزندان کشته شده‌اش؛ و به اهل‌بیت ستمدیده‌اش؛

وَبِعَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ زَیْنِ الْعَابِدِینَ وَبِمُحَمَّدِ

و به علی بن الحسین (علیه‌السلام)، زینت عبادت‌کنندگان؛ و به محمّد

بْنِ عَلِیٍّ قِبْلَةِ الْأَوّابینَ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ

بن علی(علیه السلام) قبله و اسوه توبه‌کنندگان؛ و به جعفر بن محمد(علیه السلام)،

اَصْدَقِ الصّادِقینَ ، وَ مَوْسَی بْنِ جَعْفَرٍ مُظْهِرِ

راستگوترین راستگویان؛ و به موسی بن جعفر(علیه السلام)، آشکارکننده برهانها

الْبَراهینِ وَ عَلِیِّ بْنِ مُوسیٰ ناصِرِ الدّینِ

و حجّت‌های الهی؛ و به علی بن موسی (علیه‌السلام) یاری‌کننده دین

وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ قُدْوَةِ الْمُهْتَدینَ ، وَعَلِیِّ

و به محمّد بن علی (علیه‌السلام)، مقتدای هدایت‌یافته‌گان؛ و به علی

بْنِ مُحَمَّدٍ أَزْهَدِ الزّاهِدینَ ، وَالْحَسَنِ بْنِ

بن محمّد (علیه‌السلام)، پارساترین پارسایان؛ و به حسن بن

عَلِیٍّ وارِثِ الْمُسْتَخْلَفینَ ، وَ الْحُجَّةِ

علی (علیه‌السلام)، وارث خلافت‌یافتگان و حجّت

عَلَی الْخَلْقِ اَجْمَعینَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ

الهی بر همه آفریدگان. که بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الصّادِقینَ

محمّد و آل محمّد آن راستگویان و نیکوکاران و آن خاندان

الأَبَرّینَ آلِ طٰهٰ وَ یٰسٓ وَ اَنْ تَجْعَلَنی فِی

طه و یس درود و رحمت فرستی؛ و مرا در قیامت

الْقِیامَةِ مِنَ الْاٰمِنینَ الْمُطْمَئِنّینَ الْفائِزینَ

از جمله ایمنی یافته‌گان و آرامش یافته‌گان و رستگاران و شادمانان

الْفَرِحینَ الْمُسْتَبْشِرینَ، اَللّٰهُمَّ اکْتُبْنی فِی

و بشارت داده‌شدگان، قرار دهی. خدایا! نام مرا در زمره

الْمُسْلِمینَ، وَاَلْحِقْنی بِالصّالِحینَ، وَاجْعَلْ

مسلمانان (و تسلیم‌شدگان درگاهت) بنویس، و مرا به صالحان و شایستگان ملحق فرما،

لی لِسانَ صِدْقٍ فِی الْاٰخِرینَ، وَانْصُرْنی

و برایم نامی نیکو در بین آیندگان باقی بگذار، و مرا علیه ستمکاران

عَلَی الْباغینَ، وَاکْفِنی کَیْدَ الْحاسِدینَ، وَ

یاری بخش؛ و از نیرنگ حسدورزان کفایت فرما، و

اصْرِفْ عَنِّى مَكْرَ الْماكِرِينَ، وَاقْبِضْ عَنِّى

مکر و حلیه مکرکنندگان را از من بازدار، و دست ظالمان

اَيْدِى الظّالِمِينَ، وَ اجْمَعْ بَيْنى وَ بَيْنَ

را از من دور دار، و در عالم ملکوت (اعلاعلیّین) بین

السّادَةِ الْمَيامِينِ فى اَعْلا عِلِّيِّينَ، مَعَ

من و سروران خجسته‌ام جمع فرما، همراه با کسانی

الَّذِينَ اَنعَمْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ

از پیامبران و صدّیقان و شهیدان و

وَالصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَداءِ وَ الصّالِحِينَ

صالحان که به آنان نعمت بخشیده‌ای، به رحمت بی‌منتهایت

بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمِينَ ، اَللّٰهُمَّ

ای مهربانترین مهربانان! خدایا!

اِنِّى اُقْسِمُ عَلَيْكَ بِنَبِيِّكَ الْمَعْصُومِ، وَ

من تو را سوگند می‌دهم به پیامبر معصومت (صلّی الله علیه و آله و سلّم)،

بِحُكْمِكَ الْمَحْتُومِ، وَنَهْيِكَ الْمَكْتُومِ،

و به حکم و تقدیر قطعیّت، و به نهی پوشیده داشته‌ات،

وَبِهٰذَا الْقَبْرِ الْمَلْمُومِ الْمُوَسَّدِ فِي كَنَفِهِ

و به این قبر شریف که محلّ زیارت و اجتماع است،

الْاِمٰامُ الْمَعْصُومُ الْمَقْتُولُ الْمَظْلُومُ، اَنْ

و در سایه آن، امام معصوم و مقتول و مظلوم ما آرمیده است که

تَكْشِفَ مٰابِي مِنَ الْغُمُومِ، وَتَصْرِفَ عَنِّي شَرَّ

آنچه از غم و اندوه در دل دارم، برطرف سازی، و شرّ قضا و قدر قطعی را از

الْقَدَرِ الْمَحْتُومِ، وَتُجِيرَنِي مِنَ النّٰارِ ذٰاتِ

من بازداری، و مرا از آتش سوزان جهنم پناه دهی.

السَّمُومِ، اللّٰهُمَّ جَلِّلْنِي بِنِعْمَتِكَ، وَرَضِّنِي

خدایا! مرا به نعمت خویش، جلالت و بزرگی

بِقَسْمِكَ، وَتَغَمَّدْنِي بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ،

بخش، و به روزی و عطای خویش راضی گردان،

وَ باٰعِدْنِي مِنْ مَكْرِكَ وَ نِقْمَتِكَ ،

و به بخشش و کرم خود مرا بپوشان، و از مکر و انتقام خود دورم بدار.

اَللّٰهُمَّ اعْصِمْنِي مِنَ الزَّلَلِ ، وَ سَدِّدْنِي فِي

خدایا! مرا از خطا و لغزشها مصون دار، و در رفتار و گفتارم به من

الْقَوْلِ وَ الْعَمَلِ ، وَ افْسَحْ لِي فِي مُدَّةِ الْأَجَلِ ،

درستی و استقامت بخش، و مهلت زندگانیم را طولانی گردان و وسعت بخش،

وَ اعْفِنِي مِنَ الْأَوْجاٰعِ وَ الْعِلَلِ ، وَ بَلِّغْنِي

و از دردها و بیماریها عافیتم ده، و به حقّ اولیائم،

بِمَواٰلِيَّ وَ بِفَضْلِكَ اَفْضَلَ الْأَمَلِ ،

و به فضل و احسانت، مرا به بهترین آرزوهایم برسان.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ ، وَ اقْبَلْ

خدایا! بر محمّد و آل محمّد درود و رحمت فرست و توبه مرا

تَوْبَتِي ، وَ ارْحَمْ عَبْرَتِي ، وَ اَقِلْنِي عَثْرَتِي ،

بپذیر، و بر اشکهایم رحمت آور، و از لغزشم درگذر،

وَ نَفِّسْ كُرْبَتِي، وَاغْفِرْلِي خَطِيئَتِي، وَ اَصْلِحْ

و غم و اندوهم را زائل فرما، و خطایم را بپوشان، و نسل مرا

لِي فِي ذُرِّيَّتِي ، اَللّٰهُمَّ لاٰتَدَعْ لِي فِي هٰذَا

از صالحان قرار ده. خدایا! در این بارگاه با عظمت و در این

الْمَشْهَدِ الْمعظَّمِ وَالْمَحَلِّ الْمُكَرَّمِ ذَنْباً اِلاّٰ

جایگاه با کرامت هیچ گناهی را برایم باقی مگذار، مگر آن که آنرا

غَفَرْتَهُ، وَلاٰ عَيْباً اِلاّٰ سَتَرْتَهُ، وَ لاٰ غَمّاً

بیامرزی و هیچ عیبی را، مگر که آن را بپوشانی، و هیچ غم و اندوهی را، مگر که آن

اِلاّٰ كَشَفْتَهُ، وَ لاٰرِزْقاً اِلاّٰ بَسَطْتَهُ، وَ

را برطرف سازی، و هیچ روزی و رزقی را، مگر که آن را توسعه بخشی، و هیچ

لاٰجاهاً اِلاّٰ عَمَرْتَهُ، وَ لاٰ فَساداً اِلاّٰ

منزلت ومقامی را، مگر که آن را رفعت عنایت کنی، و هیچ خرابی و فسادی را، مگر

اَصْلَحْتَهُ، وَ لاٰ اَمَلاً اِلاّٰ بَلَّغْتَهُ، وَ لاٰ

که آنرا اصلاح فرمایی، و هیچ آرزویی را، مگر که مرا به آن برسانی.وهیچ دعایی را،

دُعاءً اِلاّ اَجَبْتَهُ، وَلا مَضيقاً اِلاّ فَرَّجْتَهُ،

مگر که‌آن‌را اجابت فرمایی، و هیچ تنگنایی را، مگر که آن را گشایش دهی، و هیچ

وَلا شَمْلاً اِلاّ جَمَعْتَهُ، وَلا اَمْراً اِلاّ اَتْمَمْتَهُ،

پراکندگی را، مگر که آن را جمع کرده به سامان آوری، و هیچ امری را، مگر که آن را تمام

وَلا مالاً اِلاّ كَثَّرْتَهُ، وَلا خُلقاً اِلاّ حَسَّنْتَهُ،

فرمایی،وهیچ مالی‌را،مگر که آنرا فراوان گردانی،وهیچ خُلق وخصلتی را،مگر که آن را نیکو فرمایی،

وَ لا اِنْفاقاً اِلاّ اَخْلَفْتَهُ، وَ لا حالاً اِلاّ

و هیچ انفاقی را مگر که برایش جایگزین مقرّر فرمایی، و هیچ حالی را، مگر که (بیاد

عَمَرْتَهُ، وَلا حَسُوداً اِلاّ قَمَعْتَهُ، وَلا عَدُوّاً

خویش) آبادش سازی، و هیچ حسودی را مگر که ریشه‌اش برکنی، و هیچ دشمنی را،

اِلاّ اَرْدَيْتَهُ، وَ لا شَرّاً اِلاّ كَفَيْتَهُ، وَلا مَرَضاً

مگر که هلاکش سازی، و هیچ بدی را، مگر که کفایتش کنی. و هیچ بیماری را،

اِلاّ شَفَيْتَهُ، وَ لا بَعيداً اِلاّ اَدنَيْتَه، وَ لا

مگرکه شفایش دهی،و هیچ امر دوراز دسترسی را، مگر که نزدیکش فرمایی، و هیچ اختلال

شَعْثاً اِلاّٰ لَمَمْتَهُ، وَ لاٰ سُؤٰالاً اِلاّٰ اَعْطَيْتَهُ ،

و در هم‌ریختگی‌را، مگر که جمع و اصلاحش‌نمایی،وهیچ درخواستی‌را،مگر که عطایش کنی.

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ خَيْرَ الْعٰاجِلَةِ، وَ ثَوٰابَ الْاٰجِلَةِ

خدایا! من از تو، خیر دنیا و پاداش آخرت را درخواست می‌کنم.

اَللّٰهُمَّ اَغْنِني بِحَلاٰلِكَ عَنِ الْحَرٰامِ ،وَ بِفَضْلِكَ

خدایا! مرا به حلال خویش، از حرام مستغنی ساز، و به فضل خویش از

عَنْ جَميعِ الْأَنٰامِ ، اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ عِلْماً

همه مردم، بی‌نیاز گردان. خدایا! من از تو، دانشی مفید،

نٰافِعاً، وَ قَلْباً خٰاشِعاً، وَ يَقيناً شٰافِياً، وَ

و دلی ترسنده، و یقینی شفابخش، و

عَمَلاً زٰاكِياً، وَ صَبْراً جَميلاً، وَ اَجْراً

عملی پاک، و صبری جمیل، و پاداشی

جَزيلاً ، اَللّٰهُمَّ ارْزُقْني شُكْرَ نِعْمَتِكَ

فراوان، می‌طلبم. خدایا! در مقابل نعمتهایی که به من بخشیده‌ای

عَلَیَّ، وَزِدْ فی اِحْسانِکَ وَ کَرَمِکَ اِلَیَّ،

توفیق شکرگذاریت را روزیم کن. و بر احسان و کرمت نسبت به من، بیفزای.

وَاجْعَلْ قَوْلی فِی النّاسِ مَسْمُوعاً، وَعَمَلی

و گفتارم را در بین مردم، مورد پذیرش، و رفتارم را

عِنْدَکَ مَرْفُوعاً، وَ اَثَری فِی الْخَیْراتِ

در نزد خودت، بالا رفته و مورد قبول، و آثار مرا در کارهای خیر،

مَتْبُوعًا، وَ عَدُوّی مَقْمُوعًا، اَللّٰهُمَّ

مورد تبعیّت دیگران قرار ده و دشمن مرا ریشه‌کن فرما.

صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ الْأَخْیارِ

خدایا! در لحظه‌لحظه هر شب و در هر صبح و شام بر محمّد و خاندان نیکوی

فی آناءِ اللَّیْلِ وَ اَطْرافِ النَّهارِ، وَ اکْفِنی شَرَّ

محمّد، درود و رحمت فرست، و مرا از شر بدکاران کفایت فرما. و از گناهان و

الْأَشْرارِ، وَطَهِّرْنی مِنَ الذُّنُوبِ وَالْأَوْزارِ،

آلودگی‌ها و گرانباری معاصی پاک کن،

وَ اَجِرْنِی مِنَ النّٰارِ، وَ اَحِلَّنِی دٰارَ الْقَرٰارِ،

و از آتش جهنم پناه ده. و در منزلگاه بهشت وارد ساز،

وَاغْفِرْلِي وَلِجَمیعِ اِخْوٰانی فیکَ وَ اَخَواٰتیَ

و مرا و همه برادران و خواهران با ایمان مرا

الْمُؤْمِنینَ وَ الْمُؤْمِنٰاتِ بِرَحْمَتِکَ یٰا اَرْحَمَ

با رحمتت بیامرز، به رحمتت ای مهربانترین

الرّٰاحِمینَ

مهربانان .

قنــوت

لٰا اِلٰهَ اِلاّٰ اللّٰهُ الْحَليمُ الكَريمُ لٰا اِلٰهَ اِلاّٰ

هیچ معبودی جز خداوند شکیبا و کریم نیست، هیچ خدایی جز

اللّٰهُ الْعَلِیُّ الْعَظیمُ ، لٰا اِلٰهَ اِلاّٰ اللّٰهُ رَبُّ

خداوند بزرگوار و عظیم نیست، هیچ معبودی نیست جز خداوندی که پروردگار

السَّمٰاوٰاتِ السَّبْعِ وَالْأَرَضینَ السَّبْعِ وَ مٰا

آسمانها و زمینهای هفت‌گانه و موجوداتی که

فیهِنَّ وَ مٰا بَیْنَهُنَّ خِلٰافاً لِأَعْدٰائِهِ وَ

در آنها و میان آنهاست؛ برخلاف دشمنان حق و به جهت

تَکْذیباً لِمَنْ عَدَلَ بِهِ وَ اِقْرٰاراً لِرُبُوبِیَّتِهِ وَ

تکذیب کسانی که بخداوند شرک ورزیدند؛ بخاطر اعتراف نمودن به ربوبیّت او

خُضُوعاً لِعِزَّتِهِ ، اَلْأَوَّلُ بِغَيْرِ اَوَّلٍ وَالْاٰخِرُ

و خضوع و خشوع در مقابل عزّت و شرافت وی؛ اوست خدایی که اوّل است بدون

اِلٰى غَيْرِ اٰخِرٍ اَلظّٰاهِرُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ بِقُدْرَتِهِ

اوّل و آخر است تا بی‌نهایت، به قدرتش بر تمام اشیاء غلبه نموده؛

اَلْبٰاطِنُ دُونَ كُلِّ شَيْءٍ بِعِلْمِهِ وَ لُطْفِهِ ،

و بدانش و لطف و مرحمت او، در هر چیز نفوذ کرده است؛

لٰا تَقِفُ الْعُقُولُ عَلٰى كُنْهِ عَظَمَتِهِ ،

عقول بشری بر حقیقت بزرگی او مطّلع نخواهد شد؛

وَلٰا تُدْرِكُ الْأَوْهٰامُ حَقِيقَةَ مٰاهِيَّتِهِ ،

و اوهام و خیالات کنه ذات او را درک نمی‌کند؛

وَلٰا تَتَصَوَّرُ الْأَنْفُسُ مَعٰانِيَ كَيْفِيَّتِهِ ،

و معانی کیفیت او را، هیچ ذهنی تصوّر نمی‌تواند کرد؛

مُطَّلِعاً عَلَى الضَّمٰائِرِ عٰارِفاً بِالسَّرٰائِرِ ،

اوست مطّلع بر باطن اشخاص،

يَعْلَمُ خائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَما تُخْفِى الصُّدُورُ ،

و آشنا به تمام امور پنهان، خيانت چشمها و پنهانى دلها را خبر دارد.

اَللّٰهُمَّ اِنّى اُشْهِدُكَ عَلٰى تَصْديقى رَسُولَكَ صَلَّى

بار خدايا! تو را گواه مى‌گيرم كه رسولت (صلّى الله عليه و آله و سلّم) را

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ وَ ايمانى بِهِ وَ عِلْمى

تصديق مى‌كنم، و به او ايمان دارم، و آگاه به قدر

بِمَنْزِلَتِهِ ، وَ اِنّى اَشْهَدُ اَنَّهُ النَّبِىُّ الَّذى

و منزلت اويم، و براستى شهادت مى‌دهم كه اوست پيامبرى كه

نَطَقَتِ الْحِكْمَةُ بِفَضْلِهِ وَ بَشَّرَتِ الْأَنْبِياۤءُ

حكمت به فضيلت و برترى او سخن راند، و تمامى پيامبران گذشته

بِهِ وَ دَعَتْ اِلَى الْأَقْرارِ بِما جاۤءَ بِهِ وَ حَثَّتْ

بشارت آمدن او را دادند و مردم را به گرويدن به دين او، دعوت نمودند و بر تصديق

عَلٰى تَصْديقِهِ بِقَوْلِهِ تَعالٰى «اَلَّذى يَجِدُونَهُ

او برانگيختند. چنانكه خودت در قرآن مى‌فرمائى: «اوست پيامبرى كه

مَكْتُوباً عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرٰيةِ وَ الْأِنْجيلِ

نام وی را در تورات و انجیل خودشان نگاشته می‌یابند،

يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهٰيهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ

او آنها را به نیکوئی امر می‌کند، و از زشتی نهی می‌فرماید،

وَ يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبٰاتِ وَ يُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ

نعمتهای پاک و طیب را برای‌شان حلال، و خبائث و پلیدیها را،

الْخَبٰائِثَ وَ يَضَعُ عَنْهُمْ اِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلاٰلَ الَّتى

بر آنها حرام و ممنوع می‌گرداند، و سنگینی و مشقت‌هایی که در ادیان سابق، چون

كٰانَتْ عَلَيْهِمْ» فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ اِلَى

زنجیر برگردن آنها بود، همه را برمی‌دارد.» پس درود فرست بر محمّد فرستاده‌ات به

الثَّقَلَيْنِ وَ سَيِّدِ الْأَنْبِيٰاءِ الْمُصْطَفَيْنَ ، وَ

سوی جن و انس، و سرور پیامبران برگزیده؛ و

عَلٰى اَخيهِ وَابْنِ عَمِّهِ اللَّذَيْنِ لَمْ يُشْرِكٰا بِكَ

بر برادرش و پسر عمویش، آنانی که به اندازه چشم برهم زدنی بتو

طَرْفَةَ عَيْنٍ اَبَداً ، وَعَلىٰ فاطِمَةَ الزَّهْرآءِ

شرک نورزیدند؛ و بر فاطمه زهرا (سلام الله علیها)

سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمينَ ، وَعَلىٰ سَيِّدَیْ

سرور تمامی زنان جهانیان؛ و بر دو آقای

شَبابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ

جوانان اهل بهشت یعنی امام حسن و امام حسین (علیهما السلام)؛

صَلاةً خالِدَةَ الدَّوامِ عَدَدَ قَطْرِ الرِّهامِ وَ

درودی جاویدان و همیشگی بعدد قطرات باران‌ها و

زِنَةَ الْجِبالِ وَ الْاٰكامِ ما اَوْرَقَ السَّلامُ

همگون کوهها و تپّه‌ها، تا آن زمان که درخت سلام برگ می‌دهد،

وَ اخْتَلَفَ الضِّياءُ وَ الظَّلامُ وَ عَلىٰ آلِهِ

و روشنی و تاریکی شبانه روز در رفت و آمدند؛ و بر خاندان

الطّاهِرينَ الْاَئِمَّةِ الْمُهْتَدينَ الذّائِدينَ عَنِ

طاهر حسین؛ آن پیشوایان هدایت یافته آنها که از

الدِّينِ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ جَعْفَرٍ وَ مُوسىٰ وَ عَلِيٍّ

حریم دین و آئین دفاع نمودند، یعنی علی و محمّد و جعفر و موسی و علی

وَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُجَّةِ الْقَوّامِ

و محمّد و علی و حسن و حضرت حجّت، آنانکه

بِالْقِسْطِ وَ سُلالَةِ السِّبْطِ . اَللّٰهُمَّ اِنِّي

عدل و داد را بر پا می‌دارند و فرزندان دختر زاده پیامبر هستند. بار خدایا! از تو

اَسْئَلُكَ بِحَقِّ هٰذَا الْإِمامِ فَرَجاً قَرِيباً

درخواست می‌کنم بحق این امام بزرگوار، گشایش نزدیک را،

وَ صَبْراً جَمِيلاً وَ نَصْراً عَزِيزاً ، وَغِنىً عَنِ

و صبری نیکو را، و پیروزی توأم با عزّت را، و بی‌نیازی از

الْخَلْقِ، وَ ثَباتاً فِي الْهُدىٰ، وَ التَّوْفِيقَ لِما

خلایق را، و دوام و استمرار در طریق هدایت را، و توفیق را بر آنچه

تُحِبُّ وَ تَرْضىٰ، وَ رِزْقاً واسِعاً حَلالاً طَيِّباً

تو دوست داری و رضایت تو در آن است، و روزی را که وسیع و حلال و پاک

مَرِيئاً سائِغاً فاضِلاً مُفَضِّلاً صَبّاً صَبّاً

و گوارا و ریزان و خوشگوار و فراوان و برتر و پی در پی باشد،

مِنْ غَيرِ كَدٍّ وَلا نَكَدٍ وَلا مِنَّةٍ مِنْ اَحَدٍ،

بدون هیچ زحمت و مشقّتی و خالی از هر گونه منّتی از احدی.

وَ عافِيَةً مِنْ كُلِّ بَلاءٍ وَ سُقْمٍ وَ مَرَضٍ،

و نیز درخواست می‌کنم تندرستی از هر بلاء و ناخوشی و بیماری،

وَالشُّكْرَ عَلَى الْعافِيَةِ وَالنَّعْماءِ ، وَ اِذا جاءَ

و شکرگزاری بر هر عافیت و نعمتی را، و هنگامی که

الْمَوْتُ فَاقْبِضْنا عَلى اَحْسَنِ ما يَكُونُ لَكَ

مرگ ما فرا رسید بر نیکوترین حالِ طاعت ما را

طاعَةً عَلى اَمْرِتَنا مُحافِظِينَ حَتّى تُؤَدِّيَنا

قبض روح فرمایی، و در حالتی که نگهبان دستورات تو باشیم، تا

اِلى جَنّاتِ النَّعِيمِ، بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ

آنکه ما را به بهشت‌های پر نعمت برسانی، برحمتت ای

الرّاحِمينَ ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ

مهربانترین مهربانان. بار خدایا! بر محمّد و آل او

مُحَمَّدٍ وَ اَوْحِشْنی مِنَ الدُّنْیا وَ آنِسْنی

رحمت فرست و مرا از دنیا در وحشت و هراس قرار داده و به آخرت

بِالْآخِرَةِ ، فَاِنَّهُ لا یُوحِشُ مِنَ الدُّنْیا اِلّا

انیس فرما؛ چرا که فقط خوف تو از دنیا وحشت‌زا است و فقط

خَوْفُکَ، وَلا یُؤْنِسُ بِالْآخِرَةِ اِلّا رَجاؤُکَ ،

امید و دلبندی به تو به آخرت انس بخشی است.

اَللّٰهُمَّ لَکَ الْحُجَّةُ لا عَلَیْکَ، وَ اِلَیْکَ

بارالها! حجّت و دلیل با توست نه بر علیه تو، و شکایت و گلایه باید

الْمُشْتَکیٰ لا مِنْکَ ، فَصَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ

به سوی تو باشد نه از تو، پس بر محمّد و آل او

وَ آلِهِ، وَ اَعِنّی عَلیٰ نَفْسِیَ الظّالِمَةِ الْعاصِیَةِ،

درود فرست و مرا بر علیه نفس ستمکار و سرکش خویش،

وَ شَهْوَتِیَ الْغالِبَةِ، وَاخْتِمْ لی بِالْعافِیَةِ ،

و بر شهوت غالب خودم یاری فرما، و پایان کارم را با عافیت قرار ده!

اَللّٰهُمَّ اِنَّ اسْتِغْفاری اِیّاکَ، وَ اَنَا مُصِرٌّ عَلٰی

بار خدایا! این کم حیائی من است که از طرفی در خانه تو استغفار می‌کنم و ازطرفی

ما نَهَیْتَ قِلَّةُ حَیاءٍ وَ تَرْکِیَ الْاِسْتِغْفارَ

دیگر بر مناهی تو پافشاری می‌ورزم، چنانکه اگر استغفار نکنم

مَعَ عِلْمی بِسَعَةِ حِلْمِکَ تَضْییعٌ لِحَقِّ

با اینکه وسعت حلم تو را آگاهم، این تباه نمودن حقّ امیدواری است.

الرَّجاءِ اَللّٰهُمَّ اِنَّ ذُنُوبی تُؤْیِسُنی اَنْ

بارالها! کثرت گناهانم مرا از امیدواری بتو مأیوس می‌کند، و آگاهیم

اَرْجُوکَ، وَاِنَّ عِلْمی بِسَعَةِ رَحْمَتِکَ یَمْنَعُنی

به وسعت رحمت تو، مرا از ترس و هراس از تو

اَنْ اَخْشاکَ، فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

باز می‌دارد. پس بر محمّد و آلش رحمت فرما، و امیّد

وَصَدِّقْ رَجٰائی لَکَ، وَکَذِّبْ خَوْفی مِنْکَ،

و دلبندی مرا به خودت پابرجا نما، و ترس و وحشت مرا از خودت تکذیب فرما،

وَکُنْ لِي عِنْدَ اَحْسَنِ ظَنّی بِکَ، یٰا اَکْرَمَ

و برای من آنچنان باش که بتو حسن ظن دارم، ای بخشنده‌ترین

الْاَکْرَمینَ ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ الِ،

کریمان! بار خدایا! بر محمّد و آل او درود فرست

مُحَمَّدٍ وَ اَیِّدْنی بِالْعِصْمَةِ، وَ اَنْطِقْ لِسٰانی

و مرا به حفظ از گناه مؤیّد فرما و زبانم را به حکمت

بِالْحِکْمَةِ، وَ اجْعَلْني مِمَّنْ یَنْدَمُ عَلٰی مٰا

گویا کن، و مرا از کسانی قرار ده که بر تباهی‌های گذشته

ضَیَّعَهُ فِي اَمْسِهِ، وَلا یَغْبَنُ حَظَّهُ فِي یَوْمِهِ،

خویش نادم و پشیمان‌اند، و بهره خویش را اکنون ناقص و ضایع نکنند، و اهتمام بر

وَ لا یَهِمُّ لِرِزْقِ غَدِهِ ، اَللّٰهُمَّ اِنَّ الْغَنِيَّ مَنِ

روزی فردای خود ننمایند. بار الها! غنّی آن کسی است که به

اسْتَغْنىٰ بِکَ وَ افْتَقَرَ اِلَیْکَ، وَ الْفَقیرَ مَنِ

سبب تو بی‌نیازی جوید، و به سوی تو محتاج باشد، و فقیر و درمانده کسی است

اسْتَغْنىٰ بِخَلْقِکَ عَنْکَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ

که از تو رویگردان شده، به جانب مخلوقت بی‌نیازی طلبد؛ پس رحمت نما برمحمد

وَ الِ مُحَمَّدٍ، وَ اَغْنِنی عَنْ خَلْقِکَ بِکَ، وَ

و آل محمّد و مرا از خلق خودت به سبب خودت بی‌نیاز فرما، و

اجْعَلْنی مِمَّنْ لا یَبْسُطُ کَفّاً اِلّا اِلَیْکَ،

مرا چنان قرار ده که هیچگاه دستی جز بسوی تو دراز نکنم.

اَللّٰهُمَّ اِنَّ الشَّقِیَّ مَنْ قَنَطَ وَ اَمامَهُ التَّوْبَةُ

بارالها! بدبخت کسی است که با اینکه توبه و بازگشت فرا راه او،

وَ وَراءَهُ الرَّحْمَةُ، وَ اِنْ کُنْتُ ضَعیفَ الْعَمَلِ

و رحمت تو پشتیبان اوست، ناامید شود؛ اگرچه عمل من ضعیف و سست است

فَاِنّی فی رَحْمَتِکَ قَوِیُّ الْاَمَلِ، فَهَبْ لی

لکن امید به رحمت تو در من قوی است. پس ضعفِ عملِ مرا

ضَعفَ عَمَلی لِقُوَّةِ اَمَلی ، اَللّٰهُمَّ اِنْ کُنْتَ

در قبال قوّت امیدم، بر من ببخشای، بارخدایا! اگر تو چنان

تَعْلَمُ اَنَّ مٰا فی عِبٰادِکَ مَنْ هُوَ اَقْسیٰ قَلْباً مِنّی

دانی که در میان بندگانت از من سنگدل‌تر

وَ اَعْظَمُ مِنّی ذَنْباً، فَاِنّی اَعْلَمُ اَنَّهُ لاٰ مَوْلیٰ

و پرگناه‌تر نیست در عوض، من هم به یقین می‌دانم که هیچ مولا و سرپرستی،

اَعْظَمُ مِنْکَ طَوْلاً وَ اَوْسَعُ رَحْمَةً وَ عَفْواً،

فضل و عطایش از تو بیشتر نیست، و رحمت و عفوش از تو وسیع‌تر نیست؛

فَیٰا مَنْ هُوَ اَوْحَدُ فی رَحْمَتِهِ، اِغْفِرْ لِمَنْ

پس ای کسی که در رحمت و مهربانی یگانه‌ای! ببخشای کسی را که

لَیْسَ بِاَوْحَدَ فی خَطیئَتِهِ ، اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ

در جرم و گناهش تنها و یگانه نیست، بارخدایا! تو ما را

اَمَرْتَنٰا فَعَصَیْنٰا، وَنَهَیْتَ فَمَا انْتَهَیْنٰا،

امر فرمودی و ما سرپیچی نمودیم، و ما را بازداشتی ولی ما دست برنداشتیم،

وَ ذَكَّرْتَ فَتَناسَيْنا، وَ بَصَّرْتَ فَتَعامَيْنا،

ما را یادآوری فرمودی ولی ما خود را به فراموشی زدیم، ما را بینا فرمودی

وَحَذَّرْتَ فَتَعَدَّيْنا، وَ ما كانَ ذٰلِكَ جَزآءَ

و ما خود را به کوری زدیم، تو ما را تهدید نمودی ولی ما از حد گذراندیم. آری! این

اِحْسانِكَ اِلَيْنا، وَ اَنْتَ اَعْلَمُ بِما اَعْلَنّا

در مقابل احسان تو بر ما پاداش نیکوئی نبود، لیکن تو به آنچه ما آشکار و پنهان

وَاَخْفَيْنا، وَاَخْبَرُ بِما نَأْتى وَ ما اَتَيْنا، فَصَلِّ

نمودیم داناتری، و به اعمالی که بجا آورده و می‌آوریم آگاه‌تری، پس رحمت فرما

عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلا تُؤاخِذْنا بِما

بر محمد و آلش، و ما را بر خطاها و فراموشی‌های‌مان

اَخْطَأْنا وَنَسينا، وَهَبْ لَنا حُقُوقَكَ لَدَيْنا،

مواخذه نفرما و حقوق تو را که ضایع نمودیم بر ما ببخشای و

وَاَتِمَّ اِحْسانَكَ اِلَيْنا، وَ اَسْبِلْ رَحْمَتَكَ

احسان و کرم خویش بر ما تمام فرما، و پرده رحمتت بر ما افکن،

عَلَيْنا ، اَللّٰهُمَّ اِنّا نَتَوَسَّلُ اِلَيْکَ بِهٰذَا

بار خدایا! ما به تو توسّل می‌جوئیم به سبب این

الْصِّدّيقِ الْأَمامِ، وَنَسْئَلُکَ بِالْحَقِّ الَّذی

امام راستگو، و از تو درخواست می‌کنیم به آن حقّی و حرمتی که

جَعَلْتَهُ لَهُ وَلِجَدِّهِ رَسُولِکَ وَ لِأَبَوَيْهِ عَلِيٍّ

برای او و جدّ او - رسول خودت - و برای پدر و مادر او، علی (علیه السلام)

و فاطِمَةَ اَهْلِ بَيْتِ الرَّحْمَةِ، اِدْرارَ الرِّزْقِ

و فاطمه(سلام الله علیها)، که اهل بیت رحمتند، قرار دادی؛ اینکه روزی خودت را که

الَّذی بِهِ قِوامُ حَياتِنا وَ صَلاحُ اَحْوالِ

قوام زندگی ما به آن وابسته است و نظام احوال عیال ما

عِيالِنا، فَاَنْتَ الْكَرِيمُ الَّذی تُعْطی مِنْ سَعَةٍ

در گرو آن است، برما پیاپی فرو ریزی؛ چرا که توئی آن کریمی که از خزانه وسیعت

وَ تَمْنَعُ مِنْ قُدْرَةٍ، وَنَحْنُ نَسْئَلُکَ مِنَ

عطا می‌کنی، و با قدرت و توان خویش آنکه را بخواهی محروم می‌کنی؛ و ما از تو

الرِّزْقِ مٰا یَکُونُ صَلاٰحاً لِلدُّنْیٰا وَ بَلاٰغاً

رزقی را می‌خواهیم که برای دنیای ما موجب صلاح، و برای آخرت ما

لِلْاٰخِرَةِ ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

رسا و مایه کفاف باشد. بار خدایا! بر محمّد و آلش رحمت فرست

وَ اغْفِرْ لَنٰا وَ لِوٰالِدَیْنٰا وَ لِجَمیعِ الْمُؤْمِنینَ وَ

و ببخشای ما را و والدین ما را، و جمیع مؤمنین و

الْمُؤْمِنٰاتِ وَ الْمُسْلِمینَ وَ الْمُسْلِمٰاتِ، الْأَحْیٰاءِ

مؤمنات را، و تمام مسلمین و زنان مسلمه را، چه آنان که در قید حیاتند

مِنْهُمْ وَ الْأَمْوٰاتِ وَ اٰتِنٰا فِی الدُّنْیٰا حَسَنَةً

و چه آن‌ها که درگذشته‌اند، و در دنیا و

وَ فِی الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنٰا عَذٰابَ النّٰارِ ،

آخرت به ما حسنه عطا فرما، و ما را از عذاب آتشِ دوزخ، حفظ فرما.

پس از تمام شدن قنوت و ذکر رکوع، سجود، تشهد و سلام نماز و تسبیحات حضرت زهرا سلام الله علیها (٣٤مرتبه اللّه‌اکبر، ٣٣ مرتبه الحمدللّه و ٣٣ مرتبه سبحان اللّه) ، دو طرف صورت را به خاک گذاشته چهل مرتبه بگو:

سُبْحَانَ اللّهِ وَالْحَمْدُلِلّهِ وَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ

(منزه است خدا، و حمد و ستایش مخصوص اوست و خدایی جز او نیست، و او

وَاللّٰهُ اَکْبَرُ

یگانه است).

آنگاه دعا کرده و از خدا بخواه تو را از گناه باز دارد، و از عذابش نجات دهد و ببخشد، و توفیق عمل نیک کرامت فرماید، و عملت را قبول نماید.

سپس خود را به ضریح بچسبان و آن را ببوس و بگو:

زادَ اللهُ في شَرَفِكُمْ وَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَ

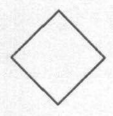
(خداوند شرف و منزلت شما را افزون کند و سلام و

رَحمَةُ اللهِ وَ بَرَكاتُه

رحمت و برکات او بر شما باد)

برای علما، شهدا، والدین خود و هر که می‌خواهی دعا کن...

والحمد لله رب العالمين



فهرست کتاب‌های انتشارات مسجد مقدّس جمکران

قرآن

نام کتاب	قیمت
قرآن کریم (چهار رنگ گلاسه)	۳۰۰۰۰۰
قرآن کریم	۳۵۰۰۰
قرآن کریم	۲۵۰۰۰
قرآن کریم	۲۵۰۰۰
قرآن کریم (کیفی)	۲۵۰۰۰
قرآن کریم (ترجمه مقابل)	۴۰۰۰۰
قرآن کریم (ترجمه زیر)	۲۵۰۰۰
قرآن کریم (بدون ترجمه)	۲۵۰۰۰

مفاتیح الجنان

نام کتاب	قیمت
کلیات مفاتیح الجنان (دو رنگ)	۵۰۰۰۰
کلیات مفاتیح الجنان	۶۰۰۰۰
کلیات مفاتیح الجنان	۴۰۰۰۰
کلیات مفاتیح الجنان	۱۷۰۰۰
کلیات مفاتیح الجنان (کیفی)	۱۷۰۰۰
منتخب مفاتیح الجنان	۳۲۰۰۰
منتخب مفاتیح الجنان	۱۸۰۰۰

نهج البلاغه وصحیفه سجادیه

نام کتاب	قیمت
نهج البلاغه	۴۵۰۰۰
نهج البلاغه	۳۵۰۰۰
صحیفه سجادیه	۳۵۰۰۰
صحیفه سجادیه	۲۵۰۰۰

دعا ونیایش ونماز

نام کتاب	قیمت
آموزش وضو ونماز (کودکان/مصور)	۶۵۰۰
ادعیه و زیارات امام زمان (عج)	۲۰۰۰
ارتباط با خدا	۶۵۰۰
از خدا چه بخواهیم	۵۰۰۰
اهمیت اذان و اقامه	۳۵۰۰
اهمیت نماز جمعه و آداب آن	۳۰۰۰
ترجمه حدیث عنوان بصری	۱۰۰۰
ختم سوره‌های یس و واقعه	۳۵۰۰
دستوراتی از قرآن	۲۷۵۰۰
ربیع الاسابیع	۴۵۰۰۰
زیارت ناحیه مقدّسه	۳۵۰۰
فضیلت خواندن سوره‌های قرآن (مشکاة الانوار)	۸۵۰۰
گنجینه نور و برکت	۴۵۰۰
نماز شب	۱۰۰۰

نام کتاب	قیمت
هدیه احمدیه	۱۲۰۰
هدیه احمدیه	۲۵۰۰

تاریخ مسجد مقدّس جمکران

نام کتاب	قیمت
تاریخچه مسجد مقدس جمکران (فارسی)	۵۰۰۰
تاریخچه مسجد مقدس جمکران (فارسی)	۲۵۰۰
مسجد مقدس جمکران تجلّیگاه	۱۴۰۰۰
آیینه اسرار حدیث بنای مسجد مقدّس جمکران	۶۰۰۰

پاسخ به شبهات

نام کتاب	قیمت
اسلام‌شناسی و پاسخ به شبهات	۴۵۰۰۰
امام‌شناسی و پاسخ به شبهات (حدیث)	۳۴۰۰۰
امام‌شناسی و پاسخ به شبهات (قرآن)	۳۰۰۰۰
دفاع از تشیع و پاسخ به شبهات	۳۰۰۰۰
سلفی‌گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات	۳۵۰۰۰
غدیرشناسی و پاسخ به شبهات	۲۰۰۰۰
موعودشناسی و پاسخ به شبهات	۳۰۰۰۰
واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات	۲۲۵۰۰
مرجعیت دینی اهل بیت (ع) و پاسخ به شبهات	۳۶۰۰۰
نگاهی به مسیحیت و پاسخ به شبهات	۱۷۰۰۰

سلسله مباحث شناخت وهابیت

نام کتاب	قیمت
ابن تیمیه، مؤسس افکار وهابیت	۱۲۰۰۰
برپایی مراسم جشن و عزا	۴۵۰۰
توسل	۲۵۰۰
خدا از دیدگاه وهابیان	۵۰۰۰
زیارت قبور	۷۵۰۰
شناخت سلفی‌ها (وهابیان)	۷۵۰۰
فتنه وهابیت	۳۰۰۰
مبانی اعتقادی وهابیان	۱۲۰۰۰
موارد شرک از دیدگاه وهابیان	۴۵۰۰

پیامبر ﷺ

نام کتاب	قیمت
اوصاف الرسول	۱۶۰۰۰
پیامبر اعظم ﷺ و تروریسم و خشونت‌طلبی	۲۵۰۰
پیامبر اعظم ﷺ و جهاد و برده‌داری	۲۰۰۰
پیامبر اعظم ﷺ و حقوق اقلیت‌ها و ارتداد	۳۰۰۰
پیامبر اعظم ﷺ و حقوق زن	۴۵۰۰
پیامبر اعظم ﷺ و صلح‌طلبی	۲۵۰۰
تاریخ پیامبر اسلام ﷺ (دو جلد)	۶۵۰۰۰
چهل حدیث برگزیده از پیامبر اعظم ﷺ	۴۵۰۰

نام کتاب	قیمت
حکومت بر دل‌ها	۶۰۰۰
راه و رسم زندگی در کلام پیامبر اعظم(ص)	۵۰۰۰
روزشمار تاریخ پیامبر اعظم(ص)	۵۰۰۰
محمد رسول الله	۴۰۰۰
امام علی و حضرت زهرا(س)	
امامت و ولایت حضرت علی(ع)	۱۲۰۰۰
با اولین امام در آخرین پیام	۲۵۰۰
تاریخ امیرالمؤمنین(ع) (دو جلد)	۹۰۰۰۰
علی(ع) مروارید ولایت	۲۵۰۰
حکومت و رهبری از منظر نهج البلاغه	۱۰۰۰۰
فدک ذوالفقار فاطمه(س)	۱۳۰۰۰
مام فضیلت‌ها	۳۰۰۰۰
امام حسن و امام حسین(ع)	
ماه مدینه	۴۰۰۰
از زلال ولایت	۱۰۰۰۰
تاریخ سیدالشهداء(ع)	۵۵۰۰۰
حکمت‌های جاوید	۱۳۰۰۰
خزائن الاشعار (مجموعه اشعار)	۴۸۰۰۰
در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نفس المهموم)	۴۲۰۰۰
دلشده در حسرت دیدار دوست	۳۵۰۰
سحاب رحمت	۶۳۰۰۰
عاشورا تجلّی دوستی و دشمنی	۱۵۵۰۰
عطر سیب	۲۰۰۰
منشور نینوا	۴۸۰۰۰
نهج الکرامة	۱۵۰۰۰
یاران با وفا و شهیدان بی‌همتا	۳۵۰۰
حضرت عباس و حضرت زینب(س)	
پرچمدار نینوا	۱۶۰۰۰
ویژگی‌های حضرت زینب(س)	۲۵۰۰۰
امام رضا و امام عسکری(ع)	
آخرین خورشید پیدا	۴۰۰۰
امام رضا(ع) در رزمگاه ادیان	۴۰۰۰
اهل بیت(ع)	
اهل بیت(ع) از دیدگاه اهل سنّت	۱۱۰۰۰
شرح زیارت جامعه کبیره (ترجمه الشموس الطالعة)	۵۸۰۰۰
کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار)	۴۵۰۰
امام مهدی(عج)	
آخرین پناه	۶۰۰۰
آن آشنا آمد	۳۰۰۰
آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم)	۱۵۰۰۰

نام کتاب	قیمت
ارتباط معنوی با حضرت مهدی(عج)	۱۵۰۰۰
از غروب عاشورای حسینی تا طلوع ظهور مهدی(عج)	۸۵۰۰
العبقری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان	۴۲۰۰۰۰
اماکن مقدسهٔ مرتبط با حضرت مهدی(عج)	۳۰۰۰
امامت در سنین کودکی	۳۰۰۰
امامت، غیبت، ظهور	۵۰۰۰
امامت و غیبت	۵۰۰۰
امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام	۵۰۰۰
امام مهدی درکلام امام علی(ع) (چهل حدیث)	۲۰۰۰
امید آخر	۵۰۰۰
انتظار بهار و باران	۳۰۰۰
انتظار چیست؟ منتظر کیست؟	۳۰۰۰
انتظار و انسان معاصر	۴۰۰۰
اوصاف المهدی	۱۴۰۰۰
اولین‌های مهدویت	۴۵۰۰
او هرجا که هست مرا دوست دارد	۳۰۰۰
بامداد بشریت	۱۱۰۰۰
بررسی دعای ندبه	۳۵۰۰
بهتر از بهار	۴۰۰۰
پایان انتظار	۵۵۰۰
پرچم هدایت	۱۰۰۰۰
تشرف یافتگان (دفتر اوّل)	۵۰۰۰
تشرف یافتگان (دفتر چهارم)	۵۰۰۰
تشرف یافتگان (دفتر دوم)	۶۰۰۰
تشرف یافتگان (دفتر سوم)	۵۰۰۰
تکالیف بندگان نسبت به امام زمان(عج)	۲۴۰۰۰
تولد حضرت مهدی(عج)	۷۰۰۰
جزیره خوشبختی	۳۰۰۰
جلوه‌های پنهانی امام عصر(عج)	۵۵۰۰
چگونگی دعا برای تعجیل فرج امام عصر(عج)	۴۵۰۰
چگونه امام زمان(عج) را یاری کنیم؟	۴۰۰۰
حضرت مهدی(عج) فروغ تابان ولایت	۱۰۰۰۰
حکومت حضرت مهدی(عج)	۴۰۰۰
خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب)	۷۵۰۰
خوشه‌های طلایی (مجموعه اشعار)	۱۶۰۰۰
دارالسلام	۳۵۰۰۰
داستان‌هایی از امام زمان(عج)	۲۰۰۰۰
داغ شقایق (مجموعه اشعار)	۸۵۰۰
در آسمان عشق	۳۵۰۰
در جستجوی نور	۴۵۰۰

نام کتاب	قیمت
دفاع از مهدویت	۶۵۰۰
دکترین مهدویت تنها راه نجات بشر	۵۰۰۰
ذخیرهٔ خدا	۲۵۰۰
ذکر نور در حضور مشتاقان ظهور	۲۴۰۰۰
زمان و مکان دعابرای حضرت صاحب‌الزمان (عج)	۴۵۰۰
سخنرانی مراجع در مسجد جمکران	۴۰۰۰
سرود سرخ انار	۲۵۰۰
سقا خود تشنه دیدار	۲۰۰۰
سیمای امام مهدی (عج) در شعر عربی	۱۵۵۰۰
سیمای جهان در عصر امام زمان (عج)	۷۵۰۰۰
سیمای مهدی موعود در آئینه شعرفارسی	۱۸۵۰۰
شرح چهل حدیث حضرت مهدی (عج)	۳۵۰۰
شناخت حقوق و مراحم حضرت مهدی (عج)	۴۰۰۰
صبح فرا می‌رسد	۴۰۰۰
صفای دل	۶۵۰۰
ظهور حضرت مهدی (عج) از دیدگاه ادیان	۲۵۰۰۰
عریضه نویسی	۸۰۰۰
عطر یاس	۷۵۰۰
علایم ظهور	۶۰۰۰
علی (ع) و پایان تاریخ	۱۱۰۰۰
غیبت صغری	۵۰۰۰
غیبت کبری	۷۵۰۰
فریادرس	۵۵۰۰
فلسفهٔ حکومت عدل جهانی	۳۵۰۰
فوز اکبر	۹۰۰۰
قرآن وظهور حضرت مهدی (عج)	۵۰۰۰
کرامات المهدی (عج)	۳۰۰۰
کرامت‌های حضرت مهدی (عج)	۶۵۰۰
کلمات قصار امام زمان (عج)	۹۰۰۰
کمال الدین و تمام النعمة (دو جلد)	۸۵۰۰۰
گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار)	۱۴۰۰۰
گفتمان مهدویت	۱۵۰۰۰
گوهرهای ناب در کلام امام زمان (عج)	۲۰۰۰۰
مسافر گمشده	۲۰۰۰
مفرد مذکر غائب (نمایشنامه)	۵۰۰۰
مکیال المکارم (دو جلد)	۷۲۰۰۰
منجی از دیدگاه ادیان	۵۰۰۰
منجی موعود از منظر نهج البلاغه	۴۰۰۰
مهدویت وجهانی‌سازی	۳۵۰۰
مهدی (عج) تجسم امید و نجات	۱۰۰۰۰

نام کتاب	قیمت
مهدی منتظر (عج) در اندیشه اسلامی	۱۰۰۰۰
مهدی موعود درکلام پیامبرمحمود	۴۰۰۰
مهدی موعود (عج) (دو جلد)	۹۵۰۰۰
مهربان‌تر از مادر	۵۰۰۰
مهر بیکران	۹۰۰۰
میثاق منتظران۱ شرح زیارت آل یاسین	۸۰۰۰
میثاق منتظران۲ شرح زیارت آل یاسین	۱۰۰۰۰
ناپیدا ولی با ما (فارسی) ویژه دانش‌آموزان	۳۰۰۰
نامه‌های جوانان به امام زمان (عج)	۶۰۰۰
نامه‌های دختران به امام زمان (عج)	۶۰۰۰
نامه‌های نوجوانان به امام زمان (عج)	۵۰۰۰
نتیجه دعا برای فرج حضرت مهدی (عج)	۱۷۰۰۰
نجم الثاقب (دو جلدی)	۷۵۰۰۰
نشانه‌های ظهور او	۱۶۰۰۰
نشانه‌های یار و چکامه انتظار	۶۰۰۰
نظریه‌پردازی دربارهٔ آینده جهان	۷۰۰۰
نیاز جهان به امام زمان (عج)	۵۰۰۰
و آنکه دیرتر آمد	۳۵۰۰
وجود امام مهدی (عج) از منظرقرآن و حدیث	۵۰۰۰
وجود امام مهدی (عج) در پرتو عقل	۶۰۰۰
وظایف ما در عصر غیبت	۶۵۰۰
وظایف منتظران	۲۵۰۰
وعدهٔ دیدار	۶۰۰۰
ویژگی‌های امام زمان (عج)	۲۰۰۰۰
هزار و یک نکته پیرامون امام‌زمان (عج)	۴۵۰۰۰
همراه با مهدی منتظر	۶۰۰۰
هنگامهٔ ظهور	۵۰۰۰
یا ابا صالح	۴۰۰۰
یاد مهدی (عج)	۱۴۰۰۰
یار غائب از نظر (مجموعه اشعار)	۱۸۰۰۰

کودکان

نام کتاب	قیمت
آشنایی با چهارده معصوم(۱ و ۲)	۸۰۰۰
زندگی چهارده‌معصوم (حضرت محمد (ص))	۵۰۰۰
زندگی چهارده‌معصوم (امام علی (ع))	۵۰۰۰
زندگی چهارده‌معصوم (حضرت زهرا (س))	۵۰۰۰
زندگی چهارده‌معصوم (امام حسن (ع))	۵۰۰۰

کتاب‌های این انتشارات بدون هزینه پستی به آدرس شما ارسال می‌گردد.

قم ـ مسجد مقدس جمکران: صندوق پستی: ۶۱۷

تلفن: ۷۲۵۳۷۰۰

نمابر: ۷۲۵۳۳۴۰ ـ ۰۲۵۱

شماره حساب: بانک ملت، قم شعبه جمکران کد ۸۷۸۵/۵، جاری ۵۰۰/۳

بانک رفاه کارگران، قم شعبه آذر کد ۸۲۲، جاری ۳۰۰۹۳۹